

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!
علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

صفحه ۴

خطاب به ریسی و وزارت صمت

اینبار کارگران هفته تپه با دولت طرف اند

صفحه ۵

انقلابیون را اعدام کردند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲
بخش ششم: آذر ماه ۱۴۰۱ نقطه عطفی در خیزش انقلابی!

پروین کابلی

صفحه ۶

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

در سالگرد قتل دولتی ژینا، هر چه گسترده تر برای سرنگونی
انقلابی جمهوری اسلامی بمیدان بیاییم!

صفحه ۹

در یک نگاه!

نان و حجاب و بنزین پاشنه آشیل جمهوری اسلامی اند

رحمان حسین زاده

صفحه ۱۰

رئییسی قاتل جواب تو را جامعه انقلابی خواهد داد!

امیر عسگری

صفحه ۱۰

بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی اخیر

صفحه ۱۱

دست از سر هفت تپه برنمیدارند،

کارگران امروز هشدار دادند

سیاوش دانشور

صفحه ۱۳

ستون اخبار کارگری و اعتراضات

اجتماعی، تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و

آرش کلهر

صفحه ۱۳

۷۱۲
مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۲۷ مرداد ۱۴۰۲ - ۱۸ اوت ۲۰۲۳

در باره استراتژی امنیتی

رژیم اسلامی

سیاوش دانشور

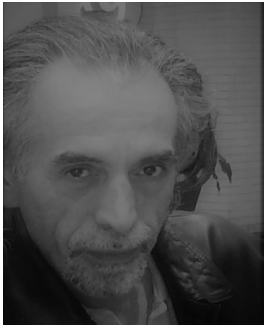
نسل انقلاب ۵۷ با عبارت "گورستان آریامهری" آشنا هستند. دوره ای که اختناق سنگین و عملکرد ساواک شرايطی ایجاد کرده بود که مردم در چهار دیواری خانه شان نیز جرأت حرف زدن نداشتند. اصطلاحی رایج بود که "دیوار موش دارد و موش هم گوش دارد!" شرايطی که خروجیش این بود که کلاحت را بچسپ و مشغول زندگی ات شو و گر نه ممکن است جائی ببرنت "که عرب نی نیاندخت!" کنایه ای به این معنی که بهتر است گم و گور شوی ولی اینجا نباشی، یعنی سر و کارت با اینها نیافتد.

الگوی "گورستان آریامهری" فشرده تجربه موساد و سیا بود که ساواک را آموزش داده بودند. ساوامای جمهوری اسلامی از اینها هم فراتر رفت و این تجارب را با سببیت اسلامی درهم آمیخت، دهه خونین شصت را خلق کرد، کشتارهای بعدی را آزمود، برای اولین بار یگانهای ضد شورش علیه اعتصاب کارگری و اعتراض توده ای آموزش داد و مانورهای آمادگی برگزار کرد. با اینحال روندهای واقعی اجتماعی سیاست سرکوب عریان را بمثابة تنها رکن بقای نظام، اگر نگوئیم تماماً بی اثر، اما بی خاصیت کرد.

پدیده دو خرداد و اصلاح طلبی حکومتی و "مدینه النبی" خاتمی قرار بود حائل و ضربه گیری باشد که هدف واحد بقای نظام را تامین کند. ایندوره نیز بسرعت سپری شد، اعتراضات تیرماه ۷۸ باد اصلاح طلبی و خیل متوهمان تازه ولتر شده را خالی کرد. چپ و عدالتخواهی سوسیالیستی در

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



انقلابی و سمبل آن مهسا (ژینا) امینی را بازتاب نداده باشد. خیزشی که مرزها را درنوردید، جهانی شد، ارزش ها و الگوهای جدیدی بدست داد، بار و بندیل همه مفسران نان به نرخ روز پرو اسلامی و پست مدرنیست را یکجا جارو کرد و هر مرتجع همیشه دشمن انقلاب را وادار به تمجید از حرکت انقلابی و البته تحریف و دفرمه کردن آن کرد.

این کاراکتر اجتماعی خیزش انقلابی، پتانسیل گسترش یابنده و همبستگی انسانی گسترده و جهانی آن بود که امکان سرکوب کوتاه مدت رژیم را غیر ممکن کرد. نه فقط این ممکن نشد، بلکه سیر ریزش در درون حکومت و به اعتراف امنیتی ها "وادادن در بالاترین سطح نظام" را موجب شد. بخشی از حکومتی ها از ترس فرار کردند و هر آخوندی به سوراخی خزید تا آنها از آسیاب بیافتد. و بالاخره بعد از قتل فجیع و ترور قریب هزار نفر، اعدام چهار کارگر، بازداشت حدود سی هزار نفر معترض، توانستند نفسی بکشند و موقتاً از خطر سقوط بگریزند. اما نتوانستند وحشت از سقوط و سنگرهای از دست رفته را بازپس گیرند. در آستانه سالروز شهریور نفس در سینه حکومت حبس شده است و شبج برآمد مجدد جامعه در حال انفجار خواب از چشمانشان ربوده است.

دو رکن استراتژی امنیتی رژیم اسلامی

وحشت عمیق رژیم اسلامی را باید در عر و تیز امام جمعه ها، اظهارات امنیتی ها و وزیر اطلاعات رئیسی، رفتار زندانیان ها، تهدید رادان ها و سران ماشین سرکوب تا خود رئیسی قصاب و خامنه ای جلا جستجو کرد. کسی که به موقعیت خودش اطمینان دارد، نیازی به تهدید و الدرم بلدرد ندارد. این وحشت زده ها و ترسوها هستند که برای پنهان کردن خوف شان جیغ و داد میکنند. خامنه ای در اولین اظهار نظرها بعد از مدتها در سوراخ قايم شدن، از "خدای دهه شصت" سخن گفت. اما این خدا دیر زمانی بود که مُرده بود و گواهی فوت نیز همین نسلی بود که به ارکان اسلام و نظام بی مهبا حمله میکردند. حال بنظر بازسازی "گورستان آریامهری" سالهای آخر رژیم سلطنتی را در مدل "گورستان اسلامی" جستجو می کنند. هر جنبنده ای را میگیرند، به هر روشی دست می برند تا امکان تحرک و تجمع را بگیرند، از تکنولوژی و دوربین و جرمه نقدی و اعمال فشار اقتصادی تا اخراج از کار و گروگانگیری و شکنجه و تهدید و هرچه که به مغز معیوبشان میرسد بهره میجویند تا سالروز شهریور را از سر بگذرانند.

رکن اساسی استراتژی سرکوب همین بگیر و ببند وسیع و پلمپ پُل و جاده و محل کار و مراکز تجاری تا رژه نیروی نظامی و آماده باش کلیه نیروهای وفادار نظام و بسیج کل توان امنیتی های کارکشته و شکنجه گران مادون وحشی و جنایتکار است. حمله به زنان که با جسارت انقلابی جواب اوباش را با "غلط زیادی موقوف"، "به توجه"، "خفه شو و راحت را بگیر و برو" تا برخوردهای تندتر میدهند را در اولویت قرار داده اند. دستگیریهای مستمر، تهدید هر کسی که فکر میکنند ممکن است روی کسانی تاثیر داشته باشد، گفتن اینکه "این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست و تکان بخوری تکانت را می بریم"، پرونده سازی، چاقو زدن و آدمکشی و ایجاد ارباب، نمایش های تروریستی راه انداختن، حتی رسانه ها و خبرنگاران خودی را تهدید و توجیه کردن، ول کردن قلاده آتش به اختیارها، سازماندهی دستجات جدید اوباش و "حجاب بان"، ایجاد گاردهای امنیتی ویژه در مراکز حساس و آماده باش کل نیروها از جمله سیاست های رکن اول شان است.

رکن دوم استراتژی امنیتی را ایجاد فضای یاس، بسیج اتاق های فکر و تحلیل گران مزدور و جامعه شناس و باصطلاح

در باره استراتژی امنیتی رژیم اسلامی

سیاوش دانشور

دانشگاه ها و جنبش کارگری سردرآورد و وحشت از چپ، تازه اصلاح طلبان دیروز حزب اللهی فلائز را وادار کرد که دشنه های غلاف کرده دهه شصت را مجدداً از صندوقچه ها درآوردند. خیلی زود پدیده اصلاح گنبد اسلامی مهجور شد اما برای نظام هشت سال وقت خرید. سپس دلقک نیرخلاص زنی بنام محمود احمدی نژاد با ملغمه ای از اسلام امام زمانی و ناسیونالیسم کوروشی را جلو انداختند که کارنامه سیاسی و اقتصادی این دوره را نیز همه بخاطر داریم. سال ۸۸ و ماجرای "رای من کو" و جنبش سبز نیز توسط خود میرحسین موسوی بخاطر بقای نظام خفه شد. بعد نوبت طیف رفسنجانی و "اعتدال گرایی" حسن روحانی بعنوان "نوری در انتهای تونل" شد که سیاست خارجی و برجام و پمپاژ توهم به این امامزاده از سوئی و سیاست فقیرتر کردن کارگران و مردم زحمتکش از سوی دیگر، ارکان سیاستش را تشکیل میداد. در دوره حضرت بنفش برآمدهای توده ای دیماه ۹۶ و بعد ۹۷ و سپس آبان ۹۸ را داریم و مناسک بی رونق ترین "انتخابات" برای رئیسی قصاب تا رسیدیم به اعتراضات تشنگان برسر آب، فروپاشی ساختمان متروپل، تقابل بیوقفه زنان با حجاب اسلامی و برآمد توده ای شهریور ۱۴۰۱.

دستکم از سالهای قبل از دیماه ۹۶ این برآمدهای توده ای کارگری و زحمتکشان شهری است که موتور محرکه برآمدهای توده ای و ضد حکومتی شدند. اعتراض زنان به حجاب اسلامی یک خط ممتد و لاینقطع و پیشرونده در این مسیر است. یک خط ممتد دیگر در سیاست بالائی ها و دولتهای مختلف جمهوری اسلامی، تشدید فقر و فلاکت اقتصادی و تعرض بیوقفه به سطح زندگی کارگران است. سیاستی که جناحهای متفرقه بورژوازی ایران در حکومت و در اپوزیسیون همه روی آن اشتراک نظر طبقاتی و استراتژیک دارند. بخشهای مختلف بورژوازی در اپوزیسیون هیچوقت به سیاستهای عسرت اقتصادی رژیم اسلامی کمترین اعتراضی نداشتند.

در آستانه سالروز شهریور ۱۴۰۱

برآمد توده ای شهریور، اگرچه روی دوش تجارب پیشین و در تداوم آنها صورت گرفت، اما ابعاد خودویژه و متمایزی داشت. جنبشی که بسرعت در مقیاس کشور فراگیر شد، از "انقلاب" سخن گفت و این عزم تغییرات ریشه ای و ضرورت انقلاب را در تقابل با ممبران "انقلاب خشونت است" و "سرنگونی یعنی سوریائی و لیبیائی شدن" بجلو صحنه راند. افق وسیع تری را گشود، علیه نفس هويت اسلامی حکومت و عنصر کلیدی نابرابری و تبعیض قد علم کرد، آپارتاید جنسیتی و آپارتاید طبقاتی سرمایه را بمصاف طلبید، از میلیتاریسم در عمل و رادیکالیسم در سیاست برخوردار بود، بیش از هر زمان زن محور بود و زنان جلودار و رهبر اعتراضات بودند، حجاب برگیران و حجاب سوزان را برای اولین بار در کشورهای اسلام زده روی صحنه آورد و خامنه ای را ماهها در جایی گم و گور کرد. این خیزش که ماهیتاً یک جنبش سرنگونی انقلابی بود و با رادیکالیسم اجتماعی شورانگیزش افق یک تحول انقلابی را گشوده بود، رژیم را دچار فلج سیاسی کرد. سرکوب خشن و بازداشتهای گسترده و در جاهائی کشتار بی مهبا، دیگر توان کنترل دینامیزم قدرتمند این حرکت را در کوتاه مدت نمیداد. هر روز و از هر منفذ جامعه ابتکاری رُخ می نمود، حرکتی پرشور و انقلابی که سرهای جهان ماتم گرفته را بسوی خود برگرداند و همه جا از "انقلاب زنان در ایران" و "امید تغییر در ایران" سخن در میان بود. کمتر نشریه و رسانه معتبر و مراکز مهم و پربیننده شهر و کشوری بود که سیمای زنان و مردان بپاخاسته و

در باره استراتژی امنیتی رژیم اسلامی

سیاوش دانشور

خورده است و عقب نشینی کند و نه میتواند چهارچوبهای قدیم را بازسازی کند.

رابعاً، عنصر سکوت و القای ناامیدی در جامعه شمشیر دولبه است. سکوت به معنی قبول وضع موجود نیست، نهایتاً اینست که در کوتاه مدت در جنگ جاری "زمین را دادند و زمان را خریدند". معنی این سکوت کرنش نیست، کمین است، دنبال فرصت گشتن و ایجاد کردن فرصت است. پشت سکوت همیشه اعتراض و جرم انفجاری لانه کرده است.

خامساً، سیاست تشدید فقر و شکاف طبقاتی بیسابقه در ایران، گرانی و بیکاری و فلاکت موجود، سقوط شاخص های مختلف در جامعه به فقر، در نقطه ای به فروپاشی درونی منجر میشود حتی اگر مردم ساکت باشند. شما میخواهید زمان بخزید تا بازسازی کنید اما "نقطه تعادل جدید" مثل آب ریختن در زمین شنی کویر است. رژیم نمیتواند دهها میلیون را بیکار و بی مسکن و گرسنه رها کند، کارگران و گرسنگان موجودیت تان را به آتش می کشند. فقر موجب انقلابیگری کسی نمیشود، اما اگر جان ارزان شد، جان شماها نیز ارزان تر میشود.

"انتخابات"

خروجی همه اینها میتواند و آنهم در یک احتمال ضعیف این باشد که؛ با تشدید یاس و القای ناامیدی و شکست همراه با سرکوب شدید و فقر و فلاکت گسترده، توقع جامعه را از تغییر رادیکال به تغییرات درون حکومتی و اصلاح، تغییر مسیر میدهیم و "انتخابات" مجلس و بعد ریاست جمهوری فرصتی مجدد برای بقای نظام و عبور از بحران جاری است. بحثهای "خودبراندازی" خاتمی و اصلاح طلبان، میدان دادن به نق نق های درون حکومتی، میتواند موضوعی باشد که اتاق فکرهای امنیتی نظام روی آن حساب باز کرده باشند. مشکل اینست که اینها امتحان پس داده اند و خیلی وقت پیش مهر "باطل شد" خورده اند. راه دیگری هم در قوطی مارگری نظام وجود ندارد. خود خامنه ای و ابواب جمعی اش هم میدانند که این جماعت بی خاصیت تاریخ مصرفشان تمام شده است و یارای مقاومت در مقابل این مردم و این نسل انقلابی و ضد دین را ندارند. تنها نکته ای که میماند اینست که با عوامفریبی "تنور انتخابات را گرم کنند" تا بلکه مشروعیت نداشته نظام را شاید، و آنهم شاید ضعیف، کمی ترمیم کنند. مضحکه انتخابات آتی اگر هم برگزار شود، بدتر از دوره رئیسی نباشد بهتر خواهد بود. این کارت هم سوخته است.

جمهوری اسلامی در بن بست و فلج کامل است و این یکی دو ماه را هم از سر بگذرانند، بحران در منفذ دیگری و با قدرت انفجاری بیشتری بروز میکند. انوقت تنها راه برای حفظ پایه های نظم سرمایه داری میتواند یک دولت انتقالی باشد که بخشی از حکومتی ها با بخشی از اپوزیسیون راست را بطرق بهداشتی و بدون دخالت جدی مردم و با حفظ اساس نظام از گزند اردوی انقلابی و مشخصاً طبقه کارگر مصون بدارد. نقشه های دیگر و ایجاد بحرانهای دیگر مانند جنگ در هر ابعادی، بحثی دیگر است. خلاصه کلام اینست که ارکان استراتژی امنیتی بقای حکومت پاد هواسست. بازسازی "اختناق آریامهری" و "خدای دهه شصت" و اعمال سکوت گورستانی نه فقط ممکن نیست، اگر هم موقتاً ممکن باشد، دوام نمی آورد و جامعه و اردوی انقلابی راه برون رفت را بنا به الزامات مبارزه سیاسی و طبقاتی پیدا می کند. شماها رفتنی هستید، به همانجا که رژیم سلطنتی رفت، به پایان سلام کنید!

۲۶ مرداد ۱۴۰۲

**منصور حکمت را بخوانید و
به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>

روشنفکر با خرده انتقادهای درون حکومتی برای جا انداختن یک خط سیاسی است. آن خط اینست که بله؛ "اغتتاش" (بخوانید خیزش انقلابی) از نفس افتاده و تمام شده است، "همه دارند قبول میکنند که شکست خوردند"، "امیدهای واهی از دست رفته است"، "یاس و نومیدی موج میزند"، "شرایط خیلی سخت است و امکان تحرک مجدد وجود ندارد"، "نسل جدید ترسیده است و ترس مستولی شده است"، "شبکه های مختلف فعالین نابود شدند"، "مراکز اپوزیسیونی و ضد انقلاب را بی تاثیر کردیم". مصداق این "مراکز" را بند و بست با دولت عراق و اقلیم کردستان برای خلع سلاح نیروهای برون مرزی در اردوگاه ها و حمله پلیس آلبانی به مقر مجاهدین و به هم خوردن ائتلافهای اپوزیسیون راست میدانند. "نمیشود و سرنگونی ممکن نیست و نظام قوی است" و "هر تحرکی جز شکست نتیجه ای ندارد"، رگه های اساسی خط تبلیغاتی این رکن دوم است.

واقعیت ها و توهمات

در کنار این دو رکن استراتژی امنیتی یک سیاست دیگر دنبال میشود و آن همان خط ممتد همه دولتهای جمهوری اسلامی است که در شرایط امروز معنای فراتری دارد. تشدید فقر و فلاکت عمومی، گرانی نان و ارزاق و عاملهای انرژی از جمله بنزین، کاهش مستمر دستمزدها، تورم لجام گسیخته و زندگی دلاری با حقوق چند بار زیر خط فقر ریالی، طرح هفتم موسوم به "برنامه توسعه" دولت رئیسی که وسیع ترین حمله به زندگی طبقه کارگر از دوره رفسنجانی تا امروز است؛ در عین حال که تداوم سیاست سرمایه داری ایران است ابزاری برای فلج کردن جامعه و زمین گیر کردن مردم در غم نان شب است. این طرح صرفاً یک سیاست اقتصادی نیست بلکه در شرایط امروز ایران یک ابزار کشنده سیاسی نیز هست که هدفش حذف یک نیروی چند ده میلیونی کارگری و زحمتکش شهری است که گرسنگی و نداری و بیماری و بی مسکنی نفس شان را بگیرد و توقعات را بشدت پائین بیاورد.

واقعیت اینست که در دو مورد اول رژیم آب در هاون می کوبد و در مورد سوم بیراهه می رود. چرا؟

اولاً، یک حرکت نسلی و اجتماعی و توده ای را صرفاً با دستگیری و اسارت بخش فعال آن نمیتوان تمام کرد. قطعاً این محدودیت ها تاثیر دارد اما بازدارنده نیست. زمانی چنین اقدامی بازدارنده است که حرکت محدود به یک الیت سیاسی باشد و نه یک حرکت توده ای و اعتراض عمیق اجتماعی.

ثانیاً، اقدامات و تبلیغات امنیتی و موازی سازی ها و پروژه های انحرافی بُرد محدودی دارند. این اقدامات شاید برای دل ریش دایناسورهای حکومتی که شب ها کابوس قذافی شدن دارند مرهمی موقت باشد اما اطمینان خاطری به نظام نمیدهد. الان بنظر میرسد هر مقام حکومتی برای تهدید کردن با بغل دستی مسابقه گذاشته است و اگر چیزی نگوید فکر میکنند "واداده است". این تهدیدها بیشتر به های و هوی لات هائی میماند که باید با های کردن شهادت به بودنشان را از همپالگی هایشان بگیرند.

ثالثاً، یک پدیده نسلی و عبور جامعه از کلیت نظام و ناتوانی نظام در رو کردن طرحی جدید برای وقت خریدن مجال زیادی به این تمهیدات نمیدهد. این وضعیت حکومتی است که نه میتواند بپذیرد که شکست

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانبخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را در هم شکنند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب شدن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد افتضاح بیار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بپا خاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

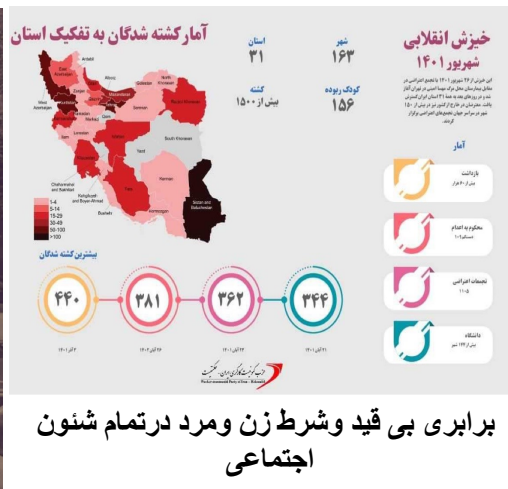
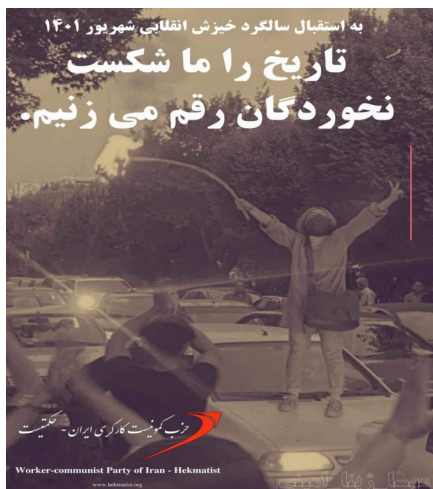
فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانبختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه بمیدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳



نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

خطاب به ریسی و وزارت صمت

اینبار کارگران هفته تپه با دولت طرف اند



کارگران هفت تپه ۵ سال جنگیدند تا گوش های ناشنوا در سه قوه باز شد و خلع ید از بخش خصوصی صورت گرفت. موضوع کلیدی برای ما در آن مرحله بقای هفت تپه بود که در حال نابودی کامل بود و طرح اخراج چند هزار کارگر و تغییر کاربری داشتند و با رشوه کل مقامات استان را علیه ما بسیج کرده بودند.

آن مرحله با همت و اتحاد کارگران تمام شد. قرار بر این بود که هفت تپه به هفت طرح واگذار شود و این هم جزو توافقات مسئولین دولتی با نمایندگان ما بود. اما دوره ای بصورت مدیریت پیمانی واگذار شد و این مرحله نهایی هنوز صورت نگرفته است. در اینمدت هفت تپه از مخاطرات قبلی رها شد، اما فساد و پارتی بازی و کارهای پشت پرده هم چنان ادامه دارد. دولت توافق کرده واگذار کند اما وزارتخانه زیر دستش مشغول کار دیگری است. دولت بدهی اش به بانک و سهامدار را نمی دهد و هفت طرح هم مانده است چکار کند و از این بازی بهره میبرد.

حرف امروز ما اینست که کار ناتمام را باید تمام کرد. اینجا چند موضوع را روشن و قاطع اعلام میکنیم:

- ۱- برگشت به بخش خصوصی تحت هر بهانه ای یعنی برگشت ما به خیابان و روز از نو روزی از نو.
- ۲- مدیران هفت طرح از این وضعیت معلق سوءاستفاده میکنند. انتصاب مدیران بی خاصیت و غیر مسئول و باندبازی را ما تحمل نمی کنیم. ما دوبار از یک سوراخ گزیده نخواهیم شد. مطمئن باشید.
- ۳- با دولت ریسی و وزارت صمت اتمام حجت می کنیم که اینبار با شما طرف حساب هستیم. مشکل کلیدی امروز نه هفت طرح است و نه کارگران هفت تپه بلکه دولت است که معلوم نیست چه خوابی برای هفت تپه دیده است. دولت و وزارت صمت موظف است به توافق و وعده اش عمل کند. توپ توی زمین شماست.

هفت تپه همین امروز میتواند دوبرابر رشد کند، از میزان کشت و شاغل تا کارخانه های جانبی. از طرفی شعار برای تولید میدید و از طرفی تولید و شرکت را نابود می کنید. مشکل شما هستید. ما کارگران هفت تپه خواستهای معوق مان را دنبال می کنیم، از جمله همکاران اسماعیل بخشی باید به سر کار برگردد و دیگر مطالبات معوق مانده حل و فصل شود. ما بر نظارت کارگران بر امور شرکت برای توسعه کار و تولید تاکید داریم. ما قبول نمی کنیم که تعدادی مفت خور و فاسد و تنبل و کاسه لیس مدیران نالایق با سرنوشت ۵۰۰۰ کارگر بازی کنند. شما دارید بحران درست میکنید. ما هم داریم روشن به شما هشدار میدهم. کارگر هفت تپه اتحاد اتحاد!

جمعی از کارگران هفت تپه در بخشهای مختلف

۲۴ مرداد ۱۴۰۲

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

کارگر، معلم، به پا خیز برای رفع تبعیض

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



های اجتماعی، دلسوزی مهدی کرمی برای مادرش و بی کسی سید محمد حسینی، سارینا ساعدی نو جوان در سندانج، مونا نقیب سراوان، رقص زیبای خدانور، اینان فرزندان و نسل امروز این سرزمین لعنت شده هستند که با گل‌گله های جنگی در جنگی نابرابر برخاک می افتند. نامشان بر لبها ست وما ترانه هایشان را همراه آنها می خوانیم. این شورشیان علیه ستم و جهالت آنقدر

بینظیرند که انگار دستچین شده اند، شعر میخوانند و آواز شادی سر می دهند و تلاش می کنند راهی برای زندگی کردن بیابند. انقلابیونی که عاشقترین عاشقان سال هستند.

خصلت سراسری بودن این اعتراضات ، آوانگارد بودن نسلی متجدد و آگاه و پیشرو برای زندگی و حرمت انسانی حاضر شد برای پایان دادن به این وضعیت سینه اش را سپر کند ، سازماندهی کند و به وا پسگرایی و جهالت و توحش نه بگوید.

« فکر می کنم مقوله جوانان در ایران دارد چهار چوب کلی سرنوشت جمهوری اسلامی را تعیین میکند. ببینید این یک حکومتی است که بیست و چند سال پیش سرکار آمد. یک حکومت استبدادی مذهبی و ارتجاعی است و روی خون و روی بی حقوقی انسان ها بنا شده است. حکومتی که فوق العاده واپس گرا و ضد حتی آسایش و خوشبختی انسان ها، ضد شادی انسان ها، حالا در سال ۲۰۰۱ را بیاورید. در سال ۲۰۰۱ جوانان های ۱۸ ، ۱۹ ، ۳۰ ساله دارند می بینند در دنیا دارد چه اتفاقی می افتد، با هم تماس دارند. این دنیای ماهواره هاست. دنیای شبکه اینترنتی، دنیای انفجار شبکه اطلاعات و ارتباطاتی است که در سالهای اخیر اتفاق افتاده است. در یک چنین دنیایی نگهداشتن یک حکومت اسلامی در یک کشور ۷۰ - ۶۰ میلیونی که همیشه فرهنگ رو به غرب داشته، از نظر فکری و فرهنگی در بخش عظیم تاریخ اش جامعه بازی بوده است ، غیرممکن است.»

جمهوری اسلامی را تحویل نسلی بدهید که به قرن ۲۱ چشم باز می کند، از او بپرسید که اینرا می خواهی می گوید نه نمی خواهم. چرا باید در شرایطی که جوان فرانسوی، جوان ایتالیایی، جوان انگلیسی، جوان آمریکایی دارد یک دنیای دیگری را تجربه می کند، جوان ایرانی در این لحظه از تاریخ بشریت و تمدن بشر مشغول این باشد که آیا گردن مردم را بزنند؟ سنگسار بکنند؟ اجازه دارد موزیک گوش بدهید؟ اجازه دارد با جنس مخالف معاشرت بکنند؟ آیا حقوق برابری با هم دارند بخاطر جنسیتشان یا نه؟ آیا می تواند عقاید داشته باشد و یا روزنامه بخواند یا سفر بکند یا هر چه؟ اینها در جهان امروز حقوق پیش یا افتاده است. درست است که خیلی جاها نقض می شود ولی آنچهایی که نقض می شود به آن میگویم دیکتاتوری ارتجاعی و مردم جهان می دانند که آن را باید عوض کرد. در نتیجه صورت مسئله جمهوری اسلامی اصلا این است که پدر این نسل نمی خورد، رابطی به این نسل ندارد) «منصور حکمت، مصاحبه با رادیو انترناسیونال در مورد واقیع خرم آباد، جنبش دانشجویی ضمیمه یک منتجب آثار صفحه ۳۹۶ تا ۳۹۸»

آذر ماه پراز اتفاقات بزرگی است. در ۴ آذر ۱۴۰۱ «گروه بلاک ریوارد» موفق می شود که سایت خبرگزارس پارس وابسته به سپاه پاسداران را هک کند. در سندی که برای فرمانده کل سپاه پاسداران تهیه شده بود ترس رژیم به خوبی از گسترش اعتراضات به قیام و سرنگونی رژیم بوضوح دیده میشود. سندی که نشان می داد ۸۴ درصد مردم از اعتراضات پشتیبانی می کنند و ایران در وضعیت انقلابی قرار گرفته است. هر چه زمان میگذرد مردم بیشتری با ممنوعیت و احضار به دادگاه روبرو میشوند. دستگیری تعدادی از هنرپیشگان سینما همراه با خواست آزادی دستگیر شدگان در میان سینما گران بالا می گیرد. کردستان هر چه بیشتر مورد حملات رژیم قرار می گیرد و عبور و مرور در مرزها با کنترل بیشتری همراه میشود. تبلیغات رژیم با هدف بی اعتباری خیزش انقلابی در کردستان شدت بیشتری میگیرد.

گستردهی اعتراضات در شهرهای کوچک و بزرگ ایران،

انقلابیون را اعدام کردند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲

بخش ششم: آذر ماه ۱۴۰۱ نقطه عطفی در خیزش انقلابی!

پروین کابلی

درچهل حدیث نجفی در ۱۲ آبان، بزرگترین تجمع اعتراضی مردم تهران و شهرکهای اطراف در ارج گذاری حدیث نجفی این انقلابی و رهبر شجاع شکل می گیرد. این بزرگترین تجمع مردم در خارج از کردستان و سیستان - بلوچستان است. تصاویر عبور مردم مهرشهر و شهرک های اطراف کرج و تهران گواه بر حضور سیل عظیم مردم است. معترضین «آزاد راه کرج - قزوین» را مسدود کرده و با شعار «امسال ، سال خونه ، سیدعلی سرنگونه» «نفرت خود را از رژیم نشان می دهند. این راهپیمایی منسجم و بهم پیوسته مردم مورد حمله ی نیروهای سرکوبگر قرار گرفت. بگفته رژیم یک بسیجی کشته و چند نفر از نیروهای دولتی زخمی میشوند. از آنجا که تمام راهها بسته شده، رژیم مجبور به استفاده از هلی کوپتر برای انتقال نیروهای زخمی خود میشود. در این درگیری تعداد زیادی از معترضین از جمله محمد مهدی کرمی و محمد حسینی بازداشت شدند. محمد حضرتی از جمله جوانانی بود که در مراسم چهل حدیث نجفی جانباخت که تا مدتی هویتش معلوم نشد. حمید قره حسنلو و همسرش فرزانه جزو دستگیرشان و متهم به قتل هستند. جامعه پزشکی ایران بعد از انتشار حکم حمید و فرزانه به قوه قضاییه نامه های اعتراضی ارسال می کنند. برای کسانی که احکام اعدام گرفته اند کمپین های وسیعی در سراسر دنیا شکل میگیرد.

تظاهرات کرج در بیخ گوش حاکمیت و مرکز قدرت سیاسی رژیم در چند قدمی تهران اتفاق افتاد و میتوانست بسرعت در بقیه نقاط تهران بزرگ گسترش پیدا کند. رژیم در فکر توطئه های بزرگتری برای سرکوب است. دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه جزو فعالین این جنبش هستند که همقدم با دانشجویان و سایر ائتشار زحمتکش نیروی اصلی این حرکت در سراسر ایران تشکیل میدهند. رژیم باید فکری اساسی میکرد.

هر چه زمان می گذرد جنبش، اعتراضی تر میشود. با انتشار عکس و ویدئوها، کاراکتر دستگیرشدگان، جانباختگان و زخمیها، مفقودین ، خودکشی شده ها، زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام بیشتر روشن می شود. شیوه و زندگی آنها نشان از نسلی می دهد که هیچ ربطی به جمهوری اسلامی ندارند. پس گرفتن جنازه ی جانباختگان به نبردی میان مردم و رژیم جانباختار تبدیل میشود. جنازه انقلابیون توسط رژیم مخفیانه و شبانه خاک میشوند و یا به آرامستان های دور از دسترس خانواده ها منتقل میشوند. پس گرفتن هر جانباخته ای به یک تراژدی پراز مقاومت تبدیل میشود. برادری که وارد بیمارستان میشود و جنازه برادرش را می دزد و تا صبح با او در شهر رانندگی می کند که جنازه بدست رژیم نیفتد. عده ای مفقود شده اند و حتی مزاری برای عزاداری خانواده هایشان وجود ندارد. داستانی آشنا از جمهوری اسلامی که دهه ی شصت هزاران زندانی را به جوخه های اعدام سپرد و درگور های جمعی مخفیانه خاک کرد. «خاوران» فقط بخش کوچکی از این فاجعه ی دهشتناک را در خود پذیرا شده است. این عاشقان تغییر و رهروان آینده در قلب میلیونها انسان همراه با خانواده ها و عزیزانشان و اشکهایمان بدرقه میشوند. دنیای اینترنت صورت زیبا و جوان هر کدام از آنها را به خانه هایمان آورده است. گاهی فکر می کنم چرا شعر با زبان استعاره این چنین جایگاهی در ادبیات ایران دارد. شاید به این خاطر که مردمان این سرزمین هیچگاه طمع آزادی نجشیده اند و هرگز آزاد نزیسته اند. آزادی همیشه پرده دور از دسترسی بوده است. ترانه خوانی سلطان قلبهای نیکا شاکرمی، شیرین بازی های مهرشادشهییدی دانشجوی هتل داری، موتورسواری و ترانه خوانی محمد رضا روحی در خیابانهای تهران، یوتوبر ۱۶ ساله سارینا اسماعیل زاده با مشغله

نیست.

اعدام ها خشم مردم را دوچندان کرد. اما بطور واقعی به مانند پرده ی سیاهی روی خروش انقلابی سایه انداخت. اعدام و کشتار جوانان، مردم را از صحنه ی اعتراض در شهر دور کرد و دوره ای از عزاداری در آرمستان ها شروع گردید که پایانی نداشت. احمد خاتمی روز ۱۷ آبان در همایشی که شرکت داشت رسماً از قویبه قضائیه برای اعدام محسن شکاری تشکر کرد. سازمان های بین المللی و احزاب و فعالین میدیا در فضای مجازی به کمپین های وسیعی علیه اعدام انقلابیون اقدام نمودند.

در چهارمین ماه انقلاب محلاتی مانند اکباتان در غرب تهران که قلب انقلاب در آن می تپد بکرات مورد حمله مأمورین سرکوبگر قرار می گیرد و تعدادی دستگیر میشوند. شبها بعد از تاریک شدن هوا فریاد «این آخرین پیام، کل نظام نشانه است، مرگ بر دیکتاتور، امسال، سال خونه، سید علی سرنگونه» دیوارهای بتونی مجتمع را به لرزه در می آورد. در ۲۱ آذر پزشک جوان «آیدا رستمی» که بطور مخفیانه برای درمان زخمیان به اکباتان رفت آمد می کرد مفقود الاثر شد. یک روز بعد پیکر بیجان او که آثار شکنجه بر آن کاملاً معلوم بود پیدا میشود و پلیس مرگ او را تصادفی اعلام می کند. سناریوهای رژیم در رابطه با مرگ او از طرف رژیم چند بار تغییر میکند. اما همه میدانستند که آیدا را رژیم به قتل رسانده است. جنازه دنیا فرهادی دانشجوی معماری بعد از یک هفته در کنار رود کاروان پیدا شد. علت مرگ او هم خودکشی اعلام شد. چند روز پیش از این هم شهاب الدین هاشمی دانشجوی دانشگاه علامه او هم خودکشی شده پیکرش پیدا میشود. دیوار نویسی و شعار نویسی، پخش اطلاعاتی های شبانه، شعار دادن از پنجره ها و پشت بام ها یکی از روشهای اعتراضی این دوره است.

در چهارمین ماه خیزش، فراخوانی برای اعتراضات سراسری در روزهای ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ آذر در شکل خیابانی و محله محور در شهرهای مختلف ایران پخش می شود. به نظر می رسد که کمیته های محلات و دانشگاه ها مبتکر این فراخوان هستند که مردم، کارگران و مغازه داران را به اعتراض سراسری فرا خوانده اند. تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و کرمان تجمعات گسترده ای تشکیل میشود. سرود های انقلابی در خیابانها پخش می شود. در سنج، کامیاران و سقز بعضی شهرهای دیگر کردستان مغازه ها بسته شده اند. شایع است که خیابانهای سنج شب ها در دست انقلابیون میباشد. بازار ایزه مورد حمله گارد ویژه قرار می گیرد و سه نفر کشته میشوند. سامان یاسین خواننده رپ اهل کرمانشاه که در زندان بسر می برد بدلیل شکنجه و فشار دست به خودکشی میزند که در بهداری زندان می توانند او را نجات دهند. مراسم چهلم آیدا آقا فضلی ۱۹ ساله که بعد از آزادی خودکشی کرد در شب یلدا برگزار میشود.

سران رژیم و مهره های اصلی نظام هریک بنوعی نگرانی خود را بیان می کنند. «محمد خاتمی از درنامه ای به خامنه ای از جوانان عاصی و معترض صحبت می کند و تنگناهایی که جامعه با آن روبرو می شود که موجب نارضایتی میباشد و هشدار میدهد که اگر با خشونت با آنها روبرو شویم خسارات جبران ناپذیر خواهیم خورد.» «به نقل از نامه محمد خاتمی به خامنه ای در سایت انصاف نیوز» «اما این تنها خاتمی نیست که به تکاپو افتاده است. گفتمان رفراندم، مجلس موسسان، انقلاب مشروطه در سطح اپوزیسیون هم جریان است. اگر چه لحن دولتهای غربی نسبت به جمهوری اسلامی تغییر کرده است اما بوضوح نشان می دهند که تمایلی به تغییر از بالا ندارند. بحث کودتا یا آوردن مهره های خارج از ایران را نمی توانند در دستور خود قرار دهند. براین امر واقفند که آنچه در ایران می گذرد نه بهار عربی است، نه جابجایی حکومت با مهره های نارنجی و بنفش شبیه زلنسکی. این انقلابی از جنسی دیگر برای آزادی از قید و بند سیستم آپارتاید جنسی، برای رفاه، زندگی شایسته انسان و امنیت اجتماعی است. در مقابل این خواست نمیشود ریسک کرد. حتماً خبر داشتند که همین چند روز پیش بود که در قم پایتخت اسلاميون، جوانان در پشت شیشه های اتاق خواب یکی از آخوندهای حکومتی، شعار داده بودند. عامه پراکنی به یکی از ترندهای جامعه تبدیل میشود

انقلابیون را اعدام کردند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲

بخش ششم: آذر ماه ۱۴۰۱ نقطه عطفی در خیزش انقلابی!

پروین کابلی

حمله به دفاتر امام جمعه ها، آتش زدن پاسگاههای پلیس و حمله به مدیران مدارس، کشته شدن فرماندهان گروههای گشت و پلیس ویژه، تعقیب آخوندها در خیابان رژیم را به ترس و وحشت انداخته است.

به گزارش «راديو فردا» که در نیمه ی آبانماه منتشر شده است ۲۲۷ نماینده ی مجلس خواهان اعدام معترضان شده اند. در بیانیه نمایندگان مجلس اسلامی که توسط قالیباف در مجلس خوانده می شود از «داعش کردن ایران «و» «سیا و موساد بودن گروهک ها «نام برده شده است. در مریوان مردم به دفتر نماینده ی مجلس که دست بر قضا زن هست و از همکاران سپاه در مریوان است بنام «شیوا قاسمی» حمله می کنند. حجت السلام جواد نیک بین نماینده کاشمر در مجلس اسلامی بقول خودش از دست ۳۰ تا ۴۰ جوان کتک می خورد و در مصاحبه با یکی از مطبوعات می گوید «بعضی از این رفتارها حق ماست و باید سبیلی بخوریم». «در سیستان و بلوچستان خون جاری شده است و معترضین را بی محابا به رگبار می بندند.

رحز خوانی های خوبی ترس رژیم را نشان می داد و بقول توماج صالحی «دنبال سوراخ موش باید بگردند». رژیم دسیسه ی دولتی شاهپراغ را به انجام رسانید. دسیسه ای که در همان ساعات اول محکوم به شکست شد.

در چنین اوضاع ملتهدی در ایران، ماه آذر ۱۴۰۱ خیزش انقلابی وارد یک نقطه عطف دیگری میشود. بازداشت شدگان تسلیم دادگاههای چند لحظه ای و از پیش تصمیم گرفته شده رژیم می شوند. در قصابخانه های رژیم، بیش از ۴۸ نفر حکم اعدام میگیرند.

در ۷ آذر مهران سماک که همراه نامزدش برای نشان دادن خوشحالی از شکست تیم ایران در جام جهانی در خیابان بود با گلوله مستقیم نیروهای رژیم به قتل می رسد. مجید رضا رهنورد در ۸ آذر بعنوان نخستین اعدامی اعتراضات ۱۴۰۱ سرش بالای دار میرود. فیلم بردن او به پای چوبه دار از طرف رژیم بعنوان وسیله ای برای ترساندن مردم پخش می شود. پیام مجید رضا رهنورد لحظاتی قبل اعدام با چشمان بسته در میان صورتهای ماسک دار سه جلد روشن است. «دوست ندارم گریه کنند سرمزارم. دوست ندارم برایم نماز و قرآن بخوانند... شادی کنند و آهنگ شاد پخش کنند.» «ویکپدیا صفحه مجید رضا رهنورد»

در ۱۷ آذر محسن شکاری در تهران اعدام میشود و دو روز بعد جمهوری اسلامی محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی را بقتل می رساند. اتهام هر دو شرکت در اعتراضات چهلم حدیث نجفی و کشتن یک پاسدار بود. فرزندان انقلابی زحمتکشانی یکی پس از دیگری به دار آویخته می شوند.

در مورد محسن شکاری بسیار می توان نوشت. اما اینجا من به یک نقل قول کوتاه بسنده می کنم. «راستی کتابت رو نگاه کردم ما دوزخ را رد کردیم، الان برزخیم، مطمئن باش به بهشت هم می رسیم و با خدای آزادی حرف می زنیم!» «با لبخند بهش گفتم نه بابا مثل اینکه همه کتاب رو خوندی؟» «به نقل از نوشته ای تحت عنوان دانه و محسن شکاری». «اعدامی دیگر محمد حسینی است. کسی که هیچکس را ندارد. اما فرزند تمام مردم ایران شد. مردم بیاد او و برای او هزاران شمع روشن کردند و در خیابانها برایش حلو و غذا پخش کردند. خانواده محمد مهدی کرمی او را به مانند فرزند خود پذیرفتند و برایشان عزاداری کردند. در فضای انقلابی هیچ قهرمانی بی نام و نشان و تنها

صفحه ۸

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

میز کلاس ها و حیاط مدارس رقص آزادی را به نمایش گذاشته بودند. اینها همان نسلی هستند که فرار بود حکومت ناب اسلامی را بر اساس عفاف و نجابت اسلامی بردوش بکشند. کجا رفت آنهمه تبلیغات؟ این نسل همانهایی هستند که قرار است بعنوان ماشین تولید نسل رژیم طرح از دیداد جمعیت را به اجرا درآورند. تمام امید سران رژیم و مداحی های هزاران هزار آخوند کپک زده بطور کامل فشل شده بود. رژیم تلاش کرد با حمله به چند مدرسه پسرانه افکار عمومی را متوجه جای دیگری کند. اینهم توطئه و تقلایی برای تصرف دوباره خیابانها و نجات از سرنگونی بود. بطور واقعی این حملات مشغله مردم شد و ترس و وحشت را درمیان خانواده ها دامن زد.

ادامه دارد.

انقلابیون را اعدام کردند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲

بخش ششم: آذر ماه ۱۴۰۱ نقطه عطفی در خیزش انقلابی!

پروین کابلی

و کاریکاتوریست های آزادیخواه دنیا، دهها کار مضمونی در این رابطه را در صفحات اینترنتی پخش می کنند. «کل رژیم نشانه است»

در هفته آخر آذرماه در روز ۲۳ ماه کارگران مترو در تهران دست به اعتصاب میزنند. از روز ۲۶ ماه کارگران و کارمندان بخش های مختلف شرکت نفت و گاز، حفاری، اسکله ها درپارس جنوبی، گچساران، عسلویه، اهواز، خارک، تنگ بیجار و ماهشهر وارد اعتصاب شده و به تجمعی اعتراضی دست میزنند. کارگران آتش نشانی تبریز در اعتراض به وضعیت معیشتی خود و خطرات ناشی از کار درمقابل شورای شهر تجمع می کنند. لیست این اعتراضات بسیار طولانی تر است و در این مقاله جا نمیگیرد.

رابطه زندانیان سیاسی با خیزش انقلابی هرچه بیشتر و نزدیکتر می شود. آتش سوزی عمدی زندان اوین در ۲۶ مهر نگرانی و حساسیت را نسبت به جان و سلامت زندانیان سیاسی بیشتر نموده است. چشم ها به زندانها دوخته شده است. در روز ۲۱ آذر فریبا اسدی، سپیده قلیان، صبا کرد افشاری، گلرخ ایرایی، نرگس محمدی، گلاره عباسی و بهاره هدایت با اقدامی بیسابقه دست به تحصن در اتاق افسر نگهبان میزنند و با خواندن سرود و انتشار اطلاعیه ای با عنوان «اعدام را متوقف کنید و به خیابانها بروید» نوشتند «ما نیز در کنار شما، گرچه در زندان، همراهی خود را با خیابان - که به حکم اسارت از آن محروم مانده ایم» این پیام بازتاب گسترده ای در شبکه های اجتماعی داشت و خیرگزاریهایی بسیاری از این حرکت نام بردند. در طول این مدت زندانیان سیاسی بارها با فرستادن پیام و خواندن سرودهای انقلابی، پیام های خود را به بیرون فرستاده بودند. بقول یکی از زندانیان سیاسی آزاد شده «جو داخل زندان تغییر کرده بود. همگی با هوشیاری اختیار را تعقیب می کردند.» در بیرون از زندانها یکی از خواسته های مردم در همه ی اعتراضات آزادی بیفتد و شرط زندانیان سیاسی بود.

اما رژیم توطئه خطرناکتری بجز اعدام و قتل معترضین و ربودن آنها را در دست دارد. در ۹ آذر ۱۴۰۱ در شهر قم دانش آموزان یک مدرسه دخترانه با مسمومیت گاز روپرو شده و عده ای به بیمارستان منتقل می شوند. مسمومیت های شیمیایی ابتدا در روزنامه های دولتی انعکاس زیادی پیدا نمی کند و مسئولین در این مورد سکوت اختیار میکنند و تلاش می شود که بعنوان یک حادثه از آن بگذرند. اما درگذشت یک دختر یازده ساله از شهر قم و ادامه این حملات در شهرهای سراسر کشور یکی بعد از دیگر خبر را بطور جدی در فوکوس قرار می دهد. شهرهای زیادی درگیر این مسئله میشوند. مسئولین آموزش پرورش و انتظامی همه چیز را انکار می کنند. رژیم شایع میکند که «جوانان خیالاتی شده اند و چنین مسمومیتی وجود ندارد. این هم دسیسه اختلاگران است» (محمد حسن آصفری عضو کمیته حقیقت یاب(حقیقت در جمهوری اسلامی) اعلام می کند که تا ۱۵ اسفند بیش از پنج هزار نفر در ۲۵ استان و ۲۳۰ مدرسه درگیر این حادثه بوده اند. ولی پژوهش در مورد نوع مسمومیت بی نتیجه مانده است «در اعتراض به این مسئله مردم با شعار «مرگ بر این حکومت کودک کش» در خیابانها و مقابل مدارس اجتماع می کنند. رژیم در تهران و کرمانشاه به معترضین حمله کرده و عده ای را دستگیر می کند. در زنجان و چند شهردیگر والدین با تشکیل گروه های همیاری، حفاظت از مدارس را بعهده میگیرند. این حملات تا آخر اردیبهشت ادامه پیدا می کند و رژیم تلاش می کند که ارتباط خود را با این مسئله انکار کند و بنوعی مسئله را لاپوشانی میکنند. هدف این حملات دختران بودند. همان دخترانی که در بسیاری از مدارس بر علیه آپارتاید جنسی شعار داده بودند، روسری ها را پرت کرده، مدیران رژیمی و جهادی را از مدارس بیرون انداخته و در روی

رئیس قاتل جواب تو را جامعه انقلابی خواهد

داد!

امیر عسگری

میکوبند و هنوز هم خفه خون نمیگیرید؟! شرمتان باد.

خطاب به رئیسی، خامنه ای و تمامی سران جنایتکار اسلامی؛ جواب اعمال و رفتار و سخنان سخیفتان را خواهید گرفت! نگران نباشید، خیزش شهریور ۱۴۰۱ را نتوانستید مهار کنید. طبقه کارگر و زنان و جوانان عاصی و منتفراز شما ها پا جلو گذاشته اند تا با سرنگونی حکومتان از سر شما انگل ها خلاص شوند.

در آستانه سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ فراخوان ما به تمامی آزادیخواهان، برابری طلبان، آنان که از ستم، نابرابری، آپارتاید جنسی و دینی، سیستم هار سرمایه داری حکومت اسلامی به تنگ آمده اند؛ این است که ضمن اقدام برای بزرگداشت این خیزش انقلابی، بزرگداشت جانبختگان راه آزادی و برابری، با برافراشتن پرچم های سرخ انقلابی به خواست های آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود جامعه عمل پیوشانند. نباید اجازه داد که حکومت اسلامی و الذنگ های حاکمش مانند رئیسی و سایر سران جنایتکارش بیشتر از این یاهو سرایی کنند. باید کلیت نظام اسلامی را به گل گرفت. این رژیم را باید سرنگون کرد.

16 اوت 2023



شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در سالگرد قتل دولتی ژینا هر چه گسترده تر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بمیدان بیاییم!

این روزها در شرایطی به سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ و سالگرد قتل عمد دولتی ژینا امینی نزدیک میشویم، که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با سران ریز و درشتش با ترس و نگرانی از حضور اعتراضی توده های خشمگین و معترض، خود را برای تقابل با مردم بجان آمده از این همه ستم و نابرابری آماده میکنند.

جمهوری اسلامی برای نشان دادن قدر قدرتی خود کل دستگاه تبلیغ و سرکوب از حوزه های علمیه تا امام جمعه ها و مزدوران بسیج و سپاه تا بیادگاههایش را بکار انداخته تا مانع حضور اعتراضی شما مردم در سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ بشود.

رعب و وحشت کل ارکان رژیم را فراگرفته است، این را از هر حرکت و اظهار نظر هر یک از دست اندرکاران این رژیم سرکوبگر می شود مشاهده کرد.

از طرف دیگر کارگران و زحمتکشان، اقشار تهیدست، زنان و جوانان هم خود را برای یک رویارویی دیگر آماده میکنند. هر چند تعداد زیادی از فعالین هنوز در زندان بسر میبرند و صدها نفر جان خود را از دست داده اند، اما این جنبش را سر باز ایستادن نیست. این روزها جنگ دیگری بر سر حجاب در کوچه و خیابان و محله، در جریان است که ادامه همان کشمکش و خیزش انقلابی است که امروز با جدال بر سر حق انتخاب و اراده زنان در گوشه و کنار هر شهر و محله ای شاهد آن هستیم. فعالین جنبش زنان در همه جا علیه حجاب این مظهر بردگی و فرودستی ایستاده و مقابله میکنند. روزانه صدها نمونه مبارزه و مقاومت شجاعانه زنان علیه حجاب را شاهد هستیم. هر چه به سالگرد قتل دولتی مهسا امینی نزدیکتر میشویم این تقابل میان انقلاب و ضد انقلاب جمهوری اسلامی خود را بیشتر نشان میدهد. مطالبات پیشرو و شعارهای چپ و رادیکال بر سر رفاه و امنیت و آزادی نه تنها سران جنایتکار جمهوری اسلامی، بلکه کل جریان راست و ارتجاعی اپوزیسیون را هم اچمز و دستپاچه کرده است.

در جریان خیزش انقلابی اخیر نسلی از زنان، کارگران و جوانان در قامت رهبری این اعتراضات به میدان آمدند و یک رژیم تا دندان مسلح و دستگاه سرکوبش را به تنگ آورده و قدر قدرتی آن را به چالش کشیدند. در کردستان با توجه به سابقه مبارزه متشکل علیه جمهوری اسلامی و بخصوص نقش نیروهای چپ و کمونیست در میان مردم کارگر و زحمتکش، در خیزش اخیر بازتاب برجسته و روشنی داشت. شعارهای رادیکال، سوسیالیستی و آزادیخواهانه در تمام این مدت در همه شهرها و روستاهای کردستان طنین انداز بود. صفوف محکم معترضین زن و مرد که حجاب را به آتش کشیدند و بر خواسته های سیاسی خود با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی پای فشردند و در مقابل حمله سرکوبگران پا پس نکشیدند. مردم معترضی که در رویارویی با تفنگ بدستان و قداره بندان رژیم ایستادند و با ایجاد کمیته های محلات، متشکل و سازمان یافته در مقابل یورش نیروهای سرکوب ایستادگی کردند.

در طول چند ماهه خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ زنان نقش برجسته و رهبری کننده داشتند، زنانی که رژیم اسلامی هر ترفندی بکار برده بود تا آنان را از عرصه های اجتماعی دور نگهدارد، در آن روزها با حضور شجاعانه و پیشرو خود در اعتراضات خیابانی و رهبری صفوف مبارزاتی، سران رژیم را با شوک غیر قابل باوری روبرو ساختند. خواست آزادی و برابری زنان و رفاه اقتصادی و معیشتی به مثابه دو عنصر برجسته این مبارزات و خیزش انقلابی به ثبت رسید.

امروز و در آستانه سالگرد جنبش انقلابی ۱۴۰۱ مردم معترض برای یک رویارویی جدید خود را بیشتر از هر زمانی آماده میکنند، اما باید از تجارب مبارزاتی سال گذشته درس گرفت و بر ضعف و کمبودهای قبل فایق آمد. باید در محلات، مدارس، دانشگاهها، مراکز کار و زندگی خود را سازمان داد و از همه مهمتر طبقه کارگر باید نقش کلیدی خود را برای در هم شکستن کل ماشین سرکوب ایفا کند.

کارگران، زنان، جوانان، معلمان، آزادیخواهان فعالین و رهبران جنبش های اجتماعی! اگر عزم کرده ایم که از شر این رژیم سرکوبگر برای همیشه خلاص شویم باید با تمام توان و با گستردگی سطح اعتراضات، با سازمان دادن خود در تشکل های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ابعاد وسیع بمیدان بیاییم. بقای ۴۴ ساله رژیم اعدام و کشتار جز با سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم میسر نشده، با حضور در عرصه یک مبارزه رودررو سلاح سرکوب را از این حکومت بگیریم. فراخوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست که سالروز قتل دولتی مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانبختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با تمام توان برای به پیروزی رساندن این مبارزات در کنار شما مردم انقلابی در کردستان تلاش میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزات مردم آزادیخواه!
زنده باد آزادی، برابری، رفاه!
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۳ مرداد ۱۴۰۲ برابر با ۱۴ اوت ۲۰۲۳

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

در یک نگاه!

نان و حجاب و بنزین پاشنه آشیل جمهوری

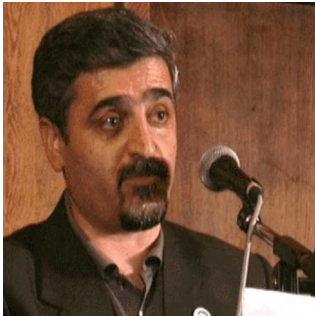
اسلامی اند

رحمان حسین زاده

حجاب عرصه را بر سران جمهوری اسلامی تنگ کرده و گسترش روز افزون فقر مردم را به تنگ آورده است. مبارزه علیه حجاب، پرچم نبرد آگاهانه علیه آپارتاید جنسیتی و رنسانس ضد اسلامی است. برپایی جنبش هدفمند و قدرتمند علیه گرانی تدریجی نان و بنزین میتواند پرچم اعتراضات سرنوشت ساز علیه فقر باشد. این دو بستر مبارزاتی، در این دوره و در این تناسب قوا به گمان من دو جبهه اصلی گردآوری نیرو برای تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی اند.

کابینتالیسم حاکم و استبدادی خشن متکی به کار ارزان، از یک طرف با تحمیل فقر و اکنون با شروع گران کردن نان و بنزین، قصد به استیصال کشتادن جامعه و مزدبگیران و بی رمق کردن آنها را در سر میپوراند، و از طرف دیگر با پافشاری بر تحمیل حجاب اسلامی، لجوجانه و برای خریدن عمر بیشتر برای نظام اسلامی در سر اشیبی سقوط قرار گرفته، در تقلا ناکام است. در هر دو زمینه، محاسباتشان غلط است.

اولاً علیرغم فراز و فرودها و مقاطعی فروکش کردن مبارزات برحق



علیه فقر و علیه حجاب، اما هیچگاه نتوانستند، کارگران و زنان و مردان معترض علیه فقر و تنگدستی و گرانی و بیحقوقی و حجاب و قوانین شرعی و اسلامی را به استیصال بکشند. ثانیاً خیزش انقلابی یکساله اخیر مبارزه علیه حجاب را به اوج رساند. این نبرد در نیمه راه متوقف نمیشود و همه شواهد نشان میدهد زنان و دختران جوان و آزادیخواهان و برابری طلبان

میروند تا جنبش پرت کردن حجاب و دفن کردن آپارتاید جنسیتی را به فرجام نهایی برسانند. ثالثاً اگر چه مبارزه علیه فقر و گرانی طاقت فرسا تا به میدان کشیدن کل پتانسل اعتراضی در این جبهه فاصله جدی دارد، اما شواهد نشان میدهد در دوره کنونی میتواند کانون انفجار اجتماعی و مبارزاتی بسیار موثر و کوبنده علیه کلیت جمهوری اسلامی و سرمایه داری باشد.

جنبش ضد حجاب اسلامی و مبارزه علیه گرانی نان و بنزین و فقر کانونهای انفجار اجتماعی این دوره و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی اند. بر این اساس و در آستانه سالگرد خیزش انقلابی و با اتکا به تجارب به دست آمده با روشن بینی و سازمانیافتگی بالاتر میتوان برآمد انقلابی و اجتماعی مجدد را به صحنه کشاند.



برای خلاصی از افیون اسلامی بپاخاستند دم میزند، خساراتی که عامل اصلی آن حکومت اسلامی است.

خسارت چه چیزی را میخواهی جبران کنی؟ رئیس قاتل؟ کدام خسارت را دقیقاً میگویند؟ کشتن کیان ۱۰ ساله و یا مونا ۸ ساله و یا جوانان و نوجوانان کشته شده بدست شما جلاخان اسلامی؟! این خسارت واقعی است. مجید رهنور

را که اعدام کردید و هزاران جوان کشته شده بدست شما خسارت وارده بر ماست! تجاوز و تعرض در زندانها خسارت وارده بر مردم از سوی نیروهای سرکوب اسلامی هستند. تعلیق و بریدن حکمهای سنگین برای دانشجویان و فعالین کارگری و صنفی، اینها خسارت وارده شده از سوی شما جانیان به مردم به پا خاسته است.

حیا و شرم هم خوب چیز است!

آنان که پرچم «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر «و یا» نان کار آزادی، اداره شورایی «و یا» زنده باد سوسیالیسم «را علم کردند و خواهان خلاصی از هرگونه ستم طبقاتی هستند و منشورهای صادر کردند و خواهان خلاصی از حکومت اسلامی و هر آلترناتیو سرمایه داری چپاولگر دیگر شدند؛ آیا منظور ابراهیم رئیسی همان جنبش آزادی زن، توده های عظیم انقلابی و فعالین طبقه کارگر است که به غرب و آمریکا منسوب می کنند؟! نادانی و بلاهت هم حدی دارد!

تعفن و کثافت تمام وجود کریه تان را گرفته و برای خود چرندیات میبافید. همانند تمامی حاکمان مفت خور و نابخرد تاریخ نمیخواهید قبول کنید که جامعه به سمتی می رود تا یک بار برای همیشه از شر انگل هایی مانند شما خلاص شود. ما هستیم که به دهانتان بگویم، زنان هستند که هر روز در دهانتان میکوبند، معلمان، کارگران، دانشجویان و جامعه ای به وسعت ایران هر روز بر دهانتان

رئیی قاتل جواب تو را جامعه انقلابی

خواهد داد!

امیر عسگری

رئیی قاتل، در آستانه سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ با سخنان سخیف بار دیگر به شعور جامعه درگیر در خیزش انقلابی توهین کرد.

رئیی جلا به تازگی در دیدارش با اعضای کمیته ی ویژه ای تحت عنوان؛ «بررسی نا آرامی های سال گذشته» سخنرانی کرده و از لزوم جبران خسارات به بار آمده در خیزش انقلابی اخیر با ادبیات سخیفانه خود سخن گفت. ابراهیم رئیسی همانند رهبر الدنگش خامنه ای از کلمه اغتشاشات برای دوره انقلابی شهریور ۱۴۰۱ استفاده کرده و آن را طراحی شده به دست معاندین، آمریکا و دول اروپایی دانست.

رئیی جنایتکار از اعتراضات و قیام صورت گرفته از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون به عنوان ظلم به مردم و حاکمیت یاد کرد. «ظلم» به حکومتی که در نزد مردم هیچ مشروعیتی نداشته و عامل اصلی ستم، سرکوب و کشتار و فقر و فلاکت و انواع ظلم و ستم است. تا چه حدی باید متوهم از موقعیت و جایگاه خود در نزد مردم بود؟

واقعیت این است که در این خیزش انقلابی، سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان یک خواست مشروع مردم در راستای اقدامی انقلابی، به زیر کشیدن بند و بساط حکومت جنایتکار و هار سرمایه داری اسلامی خط بطلانی برحکومت جمهوری اسلامی کشید که تاکنون سابقه ای به این شکل با این وسعت نداشت و بعنوان نقطه عطف مبارزاتی چهار دهه اخیر میتوان از آن نام برد.

رئیی قصاب از جبران خسارات وارده در جریان قیام جامعه ای که



بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی اخیر

خانواده های کارگری بودند. اما کارگران هم به دلیل شدت سرکوب سیاسی و نیز فلاکت هولناک اقتصادی، و هم به دلیل ضعف تشکل یابی و سازماندهی محلی و سراسری، نتوانستند با برپایی اعتصاب عمومی سیاسی به یاری این خیزش انقلابی بشتابند. البته کارگران پالایشگاه آبادان و نیز چندین شرکت در بخش کارگران پیمانی نفت، گاز و پتروشیمی در عسلویه، کارگران ذوب آهن اصفهان و پاره‌های دیگر از کارخانجات با برپایی اعتصابات و اعتراضات موردی، و نیز معلمان با فراخوان دو حرکت سراسری در هفته های نخست این خیزش، کارکنان بخش بهداشت و درمان و رانندگان کامیون با برپایی چند اعتصاب و حرکت سراسری، سعی کردند علیرغم همه موانع، وزن طبقه کارگر و زحمتکشان را در جنبش انقلابی افزایش دهند، اما این تلاشها همچون انقلاب 57 به اعتصاب عمومی سیاسی کمرشکن منجر نشد.

۳- شکل گیری کمیته ها و شوراهای محله محور از پائین (مخفی، نیمه علنی و علنی) توسط جوانان انقلابی در بسیاری از شهرها و نقش اساسی این تشکلهای مردمی در تداوم جنبش و جنگ و گریزهای خیابانی. و هماهنگی و همکاری شماری از این کمیته ها با هم، و نیز پلتفرم‌های رسانه‌ای چپ یکی از نقاط درخشان این جنبش بود. همین جوانان انقلابی، بیشترین هزینه را در مصاف با نیروهای سرکوب رژیم، متحمل شدند.

۴- حضور بی سابقه جنبش دانشجویی در همبستگی با خیزش انقلابی که به اعتراف خود رژیم، حداقل در بیش از صد هشتاد دانشگاه و دانشکده، و در برخی مراکز، چندین حرکت در روزها و هفته های مختلف حرکت اعتراضی برگزار کردند. نکته جالب در این مبارزات، خلق تاکتیک‌ها و روش‌های جدید اعتراضی بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

۵- عروج مجدد جنبش دانش آموزی یکی دیگر از ویژه گیهای درخشان این خیزش تاریخی بود. اینبار شاهد شکل گیری حرکات اعتراضی در صدها مدرسه بویژه در دبیرستانهای دخترانه بودیم که در همبستگی با جنبش معلمان، امر مبارزه را در محیط مدرسه به پیش میبردند. حملات شیمیایی مزدوران رژیم اسلامی به صدها مدرسه - عمدتاً دخترانه - بیانگر خشم رژیم از عروج مجدد جنبش دانش آموزان بود.

۶- یکی دیگر از نکات مهم، حضور پررنگ جنبش های ضد شونیبستی و ضد تبعیضات ملی، نژادی و مذهبی در این خیزش بویژه در کردستان و بلوچستان بود. که ضمن تاکید بر همبستگی سراسری و برابری همه مردمان ایران، بار دیگر چهره کثیف تبعیض، ستم مضاعف و نابرابری نهادینه شده در دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی را رسوا کردند.

۷- همچنین بخش‌های وسیعی از کسبه و مغازه داران چند اعتصاب سراسری موفق بویژه در کردستان و شهرهای بزرگ ایران برگزار کردند.

۸- غیبت کامل شعارهای مذهبی در این جنبش، به روشنی نشانه شکست اسلام سیاسی، رشد خداناباوری در جامعه، و نیز ماهیت عمیقاً لائیک و سکولار خیزش انقلابی را به نمایش گذاشت. در عین حال، نوع واکنش و فرهنگی که انبوه خانواده های داغیده به نمایش گذاشتند، به راستی کم نظیر بود. آنها در بسیاری موارد با صدای رسا اعلام داشتند که عزاداری نمی کنند، بلکه به راه سترگ فرزندان و عزیزان خود

روز ۲۵ شهریور خبر تکان دهنده ای مردم ایران را در بهت فرو برد. ژینا (مهسا) امینی پس از اینکه به دلیل "بدحجابی" توسط گشت گشتاپویی ارشاد دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، در بیمارستان کسرای تهران بر اثر شدت جراحت جان باخت. به دنبال قتل عمد حکومتی، موجی از خشم و اعتراض جامعه را فرا گرفت. شامگاه این جنایت فاشیستی، مردم تهران بپا خاستند و در اطراف بیمارستان، دست به تظاهرات زدند. فردای آنروز در گورستان آچی سقز، هنگام خاکسپاری ژینا، خانواده اش بر مزارش نوشتند: نامت رمز خواهد شد و زنان و مردان آزادیخواه فریاد "ژن، ژیان، نژادی" را سر دادند که به سرعت به شعار اصلی جنبش انقلابی سراسر ایران تبدیل شد.

این خیزش انقلابی عظیم، رعدی در آسمان بی ابر نبود. قتل حکومتی ژینا امینی تنها انگیزه ای بود برای اینکه اکثریت مردمان، کارگر و زحمتکش، ستم‌دیده و جویای آزادی و برابری، یکبار دیگر - اینبار وسیعتر از هر زمان - اعلام کنند که حل بحران‌های عظیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، بدون سرنوشتی انقلابی رژیم استبدادی، مذهبی و سرمایه داری جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست.

خیزش انقلابی اخیر، انکشاف و تداوم دوره انقلابی و فاز سیاسی نوینی است که از خیزش دیماه 96 در ایران شروع شده بود. دوره جدیدی که با طرح شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" اراده اکثریت مردم را برای پایان دادن به چهار دهه استبداد سیاسی مذهبی، فقر و نابرابری طبقاتی، آپارتاید جنسی - جنسیتی، تبعیضات شونیبستی، نابودی سیستماتیک محیط زیست و ... اعلام میکرد. خیزش انقلابی مرداد 97 و بویژه آبان 98 به دنبال سه برابر شدن بهای بنزین و نیز دیماه 98 به دنبال ساقط کردن عمدی هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط سپاه را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد.

اما آنچه این خیزش انقلابی را از همه جنبشها، حرکات اعتراضی و خیزشهای انقلابی پیش از شهریور ۱۴۰۱ منفک میکند، وسعت بی نظیر و تداوم خیره کننده آن بود. این خیزش، به راستی عظیمترین جنبش و عصیان ضدحکومتی در تاریخ حیات 45 ساله جمهوری اسلامی بود. تقریباً هیچ نقطه ای از ایران نبود که در این جنبش انقلابی سراسری، مشارکت نداشته باشد. برخی از مهمترین شاخصه های این خیزش تاریخی، عبارت هستند از:

۱- نقش پررنگ زنان و پیشقراولی آنها در همه جای ایران. این روند مثبت اگر چه از همان روزهای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آغاز شده، اما در جریان خیزش انقلابی ژینا، بیش از هر زمان جلوهگر شد. زنان با سوزاندن حجاب اسلامی و پایان دادن به آپارتاید جنسی چنان به مظهر و بخشی از هویت رژیم جمهوری اسلامی ضربه زدند که تا کنون نتوانسته کمر راست کند. دفاع مردان از حرکتهای بغایت سکولار زنان، انعکاس و پشتیبانی جهانیان از اعتراضات زنان موقعیت و نقش زنان را در اعتراضات عمومی بسیار ارتقا داد.

۲- نیروی کار و زحمت و فرزندان آنها بی شک اکثریت معترضین انقلابی کف خیابان را تشکیل میدادند و اکثریت کشته شدگان، دستگیرشدگان و اعدام شدگان و زخمیها نیز متعلق به همین طبقه و

بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و

کمونیست

خیزش های قبیلی، خود را برای پیکارهای سرنوشت ساز نوین آماده کنیم. بی تردید قطب متنوع چپ انقلابی در جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی داخل کشور و فعالین سوسیالیست خارج کشور و شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست - به مثابه مهمترین بخش متشکل بدیل سوسیالیستی - ، باید خود را برای این نبردها و روزهای سرنوشت ساز پیش رو آماده کنند.

ما بارها اعلام کرده ایم که علیرغم اهمیت و ضرورت کلیدی همه جنبشهای اجتماعی انقلابی و مترقی، انقلاب مردم ایران موقعی میتواند به یک انقلاب اجتماعی پیروزمند تبدیل شود که طبقه کارگر به مثابه یک طبقه متشکل، سازمانیافته و انقلابی، مهر خود را بر جنبش بکوبد. این حضور قدرتمند و رهبری کننده، نه تنها تضمینی برای به موفقیت رساندن خیزشهای انقلابی است، بلکه تضمینی است برای اینکه امر سرنگونی رژیم اسلامی در حد یک رژیم چنج و یا انقلاب سیاسی باقی نماند، بلکه علاوه بر بهزیر کشیدن استبداد سیاسی مذهبی حاکم، موجبات عبور از نظام استثمارگر و مبتنی بر نابرابریهای طبقاتی یعنی نظام سرمایه داری را فراهم کند و زمینه را برای گذار به سوسیالیسم و استقرار بدیل کارگری و شورایی فراهم نماید.

از اینرو ما از تکرار این نکته خسته نمی شویم که: چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است! نه تنها در درون جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی، بلکه در درون خود احزاب و سازمانهای کمونیستی وفادار به انقلاب اجتماعی و بدیل سوسیالیستی. در این راستا، فائق آمدن بر همه روشهای فرقه گرایانه، سکتاریستی، خرده کاری و پراکنده کاری و بنابراین دیدن افق های بزرگ طبقاتی و انقلابی، اهمیت ویژه ای پیدا میکند.

انبوه زندانیان سیاسی بویژه فعالین پیشرو کارگری، معلمان، زنان، دانشجویان و جوانان از درون زندان و انبوه خانواده های جانبختگان راه آزادی و برابری در بیرون از زندان، بارها شجاعانه و ثابت قدم، اعلام کرده اند که روز رهایی فرا خواهد رسید و این رژیم بحران زده، از ترس است که میترساند و رجز میخواند. کافیست به نافرمانی میلیونی جاری زنان قهرمان ایران در برابر تحمیل حجاب اسلامی نگاه کنیم تا مداوم مبارزه و مقاومت را در اشکال متنوع به عینه شاهد باشیم.

به همین خاطر، ما تردیدی نداریم که ققنوس انقلاب از خاکستر خویش باز بر خواهد خاست، شک نداریم که انفجارهای بزرگ سیاسی و اجتماعی در راه خواهند بود، اما وقوع خیزش و حتی انقلاب یک چیز است، موفقیت و پیروزی آن چیزی دیگر. سازماندهی و ایجاد تشکلهای کلیدی ترین عناصری هستند که امکان سرکوب و به شکست کشاندن روندهای انقلابی را به حداقل می رساند. برای براندازی جمهوری اسلامی و بسرانجام رساندن انقلاب و برقراری شوراها باید ایجاد تشکلهای کارگری، محلات، زنان، جوانان، بازنشستگان را فوراً در دستور کار همه فعالین و رهبران عملی گذاشت. جنبش کارگری با متحد کردن هر چه بیشتر کارگران و ایجاد ظرفیتهای سازمانی - تشکیلاتی ویژه همه بخشهای کارگری را می تواند از پراکندگی و بی ارتباطی به هم از بین ببرد و به عنوان یک وزنه سرنوشت ساز در روند یک انقلاب نقش بازی کند و با متحد کردن دیگر جنبشهای انقلابی چون زنان و جوانان در کنار خود جهانی دگر بنا خواهد نمود.

گرامی باد همه جانبختگان راه آزادی و برابری بویژه جانبختگان

خیزش انقلابی اخیر

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه داری

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

2023.17.08

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

ShorayeHamkary@gmail.com

ادامه خواهند داد. آنان به جای عزاداری و نوحه خوانی، سرود پخش میکردند و شعارهای انقلابی را پژواک میدادند، زنان، حجاب از سر بر میداشتند و گیسوان خود را به نشانه همبستگی فیچی میکردند و با کف زدن و هلهله، داغ غمگساری و عزاداری را بر دل رژیم گذاشتند. سنت مبارزاتی مدرنی که کماکان بر سر مزار صدها جانباخته، ادامه دارد.

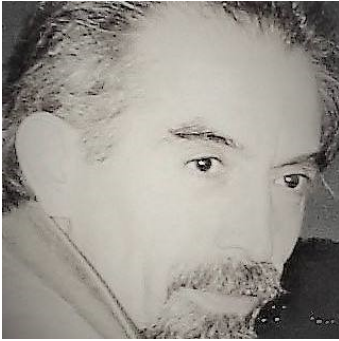
۹- هنر اعتراضی و انقلابی نیز در تمام دوران تداوم خیزش انقلابی اخیر، در اشکال مختلف ترانه سرود، نه تنها صدای توده انقلابی را بازتاب می داد، بلکه سهم به سزایی در افزایش روحیه انقلابی مبارزین کف خیابان داشت. در تاریخ مبارزات سیاسی مردمان ایران، ما در هیچ دوره انقلابی، به اندازه این دوره خیزش، شاهد این حجم از تولید آثار هنری ماندگار نبودیم. بعلاوه ابعاد عظیم خیزش چنان بود که حتی محافظه کارترین هنرمندان و نیز ورزشکاران که بسیاری از آنها در دوره های گذشته، معمولاً ساکت بودند، ترغیب شدند که به همبستگی با جنبش و همدردی با خانواده های جانبختگان بپردازند.

۱۰- طرح شعارهای اثباتی در کنار شعارهای سرنگون طلبانه، یکی دیگر از ویژه گی های مثبت این خیزش انقلابی بود. مردم در سراسر ایران ضمن سر دادن شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، سعی کردند در کنار شعارهای کلیدی "زن زندگی آزادی" و "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی"، با طرح پاره های شعارها و مرزبندیها، تلاش اپوزیسیون راست و ابر رسانه های وابسته به آنها را برای استحاله این خیزش به یک حرکت "رژیم چنجی" صرف، و یا تلاش آنها برای جانداختن آلترناتیو سلطنت طلبان بهریری رضا پهلوی را خنثی کنند. به همین خاطر شاهد شنیده شدن شعارهایی همچون: مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر، "نه سلطنت، نه رهبری، دمکراسی، برابری"، "نه کولبری، نه سوختبری، آزادی، برابری"، "نان، کار، آزادی"، "از کردستان تا جلفا، قدرت به دست شورا"، "فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم"، "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد"، "کرد، بلوچ، آذری، آزادی، برابری" و ... بودیم. این شعارهای اثباتی و رادیکال در داخل کشور، نقش مهمی در فروپاشی کارناوال های پوپولیستی "همه با هم" و ائتلاف دست راستی بهریری رضا پهلوی ایفاء نمود.

خیزش انقلابی اگر چه در بعد خیابانی، شورشی و تعرضی، دچار افت شده است، اما دوره انقلابی و حرکات اعتراضی بخشهای مختلف مردم: کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، خانوادههای جانبختگان و زندانیان سیاسی و حرکات اعتراضی ادواری مردم در بلوچستان و کردستان با فراز و فرودهایی، همچنان تداوم دارند. در واقع ما شاهد یک دوره انقلابی مداوم هستیم که گاهی فراز و گاهی فرود دارد، اما اراده اکثریت مردم پابرجاست و آن تلاش برای پیدا کردن راهی جهت پایان دادن به رژیم استبدادی، فاسد، غارتگر، فاشیستی و سرمایه داری جمهوری اسلامی است.

این رژیم تنها در شش ماهه اول خیزش با دستگیری بیش از شصت هزار نفر (طبق آخرین اعتراف مقامات قضایی)، کشتن حدود ششصد معترض در خیابانها، قتل بیش از بیست زندانی در زیر شکنجه، اعدام رسمی حدود ده معترض زندانی و مجروح و معلول و نابینا کردن هزاران تن از مبارزین انقلابی و در یک کلام با کم نظیرترین سرکوب و توحش فاشیستی توانست خود را فعلاً سرپا نگه دارد. اما هم این رژیم و هم اکثریت مردمان جویای رهایی میدانند که انفجارهای سیاسی بزرگ در راهند و باید با درسگیری از کاستیهای این خیزش و

مرگ بر جمهوری اسلامی!



اسدیگی ها را بیرون انداختند و حضرت آقا به ۲۰ سال زندان و رد مال محکوم شد. اما چون زنجیره فساد و رشوه از صدر تا ذیل بود، حضرت شان راست راست راه میرود و در عوض اسماعیل بخشی اخراج شد، گرسنگی میکشد و بقول همکارانش با کمر درد و ماشین قراضه پدرش با مسافر کشی نان شرافتش را میخورد. آدم که خود فروش و دکاندار نباشد وضعیت همین است دیگر.

باری، هشدار کارگران اینبار به دولت فشل رئیسی و وزیر صمت و شرکای طرح هاپولی کردن اموال کارگران و صدها و هزاران شرکت و موسسه اقتصادی و صندوق بیمه بقول خاندوزی بیسواد "مدرس" است که امثال اسدیگی ها و نیری احمدی ها و ابواب جمعی حکومت برای آن دندان تیز کرده اند و هفت تپه هم میتواند یکی از این لقمه های چرب باشد. کارگران هفت تپه گفته اند اینبار با دولت رئیسی طرف حساب هستند، اما بار قبل هم با دولت روحانی طرف حساب بودند که حامی پروپاقرص اسدیگی ها و حتی مستقیم و غیر مستقیم از طریق جهانگیری ها شریک تجارشان بود. برای آنها در واقع هیچوقت فرقی نداشت که سرمایه دار و کارفرمای طرف حسابشان چه کسی است، صورت ظاهر موضوع واگذاری به بخش خصوصی بود که با حمایت دولت و سازمان خصوصی سازی و نهادهای ذیربط صورت گرفت و به نام آن از طریق بانکها و اعتبارات و فساد چه کارها که نکردند. همه از بالا تا پایین دست شان در یک کاسه بود. دو جوجه اسدیگی در معیت پرخوانده بیهوده "سلطان رشوه" نشده بودند و همه کاربدستان نمک گیر!

هفت تپه ای ها زخمهای زیادی بر پیکر دارند اما زخمی که کسی را نیاندازد وی را قویتر میکند. آنها یک دنیا تجربه هستند و صد البته با آزمون و خطا و سعه صدر برای حفظ نیرو و جدل های درونی برسر خط مشی و تاکتیک. در هفت تپه یک نقطه روشن وجود دارد که سنت کار موضوع و مسئله ای را در پرده ابهام باقی نمی گذارد. وقتی منفعت فرا - کارگری وجود نداشته باشد، جای مانور هم برای فرصت طلبان باقی نمی ماند. در دوره های مختلف مبارزات هفت تپه کم نبودند افرادی که به اعتبار فعالیت و شرکت شان در مبارزه مورد اعتماد قرار گرفتند و در جایی منفعت جمعی کارگر را به منفعت فردی شان فروختند. اما نهایتاً هفت تپه ماند و کارگرانی که پایبندی به اصول و منافع جمعی چراغ راهشان بود و فراتر از هفت تپه یک سنت مبارزاتی را بازتولید کردند. برای همین است که هفت تپه وقتی تکان میخورد همه چشم ها بسویش باز میگردد.

سرمایه داران متفرقه دست از سر هفت تپه و دهها میلیون کارگر به فقر و فلاکت محکوم شده برنمیدارند. اشتهای هیولای سرمایه سیری ناپذیر است و جیب گشاد آخوند سرمایه دار مثل چاه ویل. اما یک چیز را درست تشخیص نداده اند و آن قانون فشار و آستانه تحمل است. ایران را به "بهشت سرمایه داران" دولتی و نیمه دولتی و "خودی"ها بدل کردند و با زور سرکوب و قهر از آن محافظت می کنند. اما زالوها هر کدام سهم شیر میخواهند و مشکل اینست که این مسیر بی انتها نیست. جانی کولاپس میکند، جانی مهار از هر سمت از دست شان در میروند. جانی دیگر نه از تاک و نه از تاک نشان اثری نمی ماند.

هفت تپه مشتکی از خروار است، هفت تپه یک روزنه است، روزنه ای که از طریق آن میتوان جنبش کارگری ایران را در وسعت دهها میلیونی دید، از منظر آن حاشیه نشین ها و گرسنگان یک وعده ای و مطلق و مرگ های روزانه ناشی از گرسنگی را دید. گرگ ها برای هفت تپه ها و هفتاد تپه ها و هزار تپه ها دندان تیز کرده اند. وای بحال شان روزی که هر گوشه ایران هفت تپه شود!

۱۶ اوت ۲۰۲۳

دست از سر هفت تپه برنمیدارند کارگران امروز هشدار دادند

سیاوش دانشور

هفت تپه، که برآستی "پایتخت اعتصاب جهان" است، مدتی در آرامشی همراه با تنش بسر برد. هفت تپه تنها بخش کارگری ایران بود که با ارگانهای حکومتی از سر تا بن درافتاد. شاید درست تر باشد که گفت نهادهای حاکمیت مشخصاً در خوزستان از قوه قضائیه با ریاست منتظری و افراد تحت مسئولیتش، نهادهای امنیتی از اطلاعات و سرکوبگران یگان ویژه، استنادار رشوه خوار خوزستان شریعتی، نماینده مجلس و امام جمعه، شورای تامین که همه "خوبان" را در خود جا داده است که منافع سرمایه داران را حراست کنند، در مقابل کارگران گرسنه که حقوق شان را میخواستند صف کشیده بودند. همه این جماعت تحت حمایت دولت روحانی و معاونش جهانگیری از عزیز دردانه شان "اسدیگی ها" حمایت میکردند تا بساط لغت و لیس شان براه و دنیا به کام شان باشد.

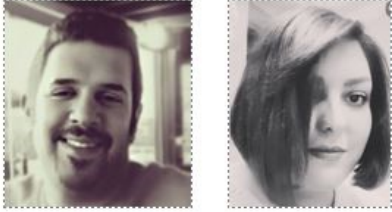
در عوض شریف ترین و جسورترین رهبر کارگری اسماعیل بخشی را زندان و شکنجه کردند، برایش سناریوی سوخته راه انداختند، از کار اخراجش کردند تا دیگر کسی "هوس اسماعیل شدن" نکند. سپیده قلیان یار وفادار هفت تپه هنوز زندانی است و اسماعیل هم اخراج. هفت تپه ای ها بروایتی چند صد پرونده قضائی و امنیتی دارند. آنها با خیلی ها که به کارگر ارادتی دارند از بیخ و بن فرق دارند. آنها هر وقت سوت میزدند هزار هزار کارگر هفت تپه بود که تاسی میکردند و حرفشان برای بقیه حجت بود.

آنها تنها سنتی بودند که بقول خودشان سیاست "خرد جمعی" را بامیدان کشیدند، سنت مجمع عمومی و شورائی را نه در شعار و کلیشه ای بلکه روی زمین سخت و میدان نبرد نابرابر جلو رانند. آنها با سازماندهی اعتصابات طولانی و طاقت فرسا نشان دادند که هنر متحد کردن و متحد نگاهداشتن و بار را به منزل رساندن کار هر کسی نیست. آنها نشان دادند که عمل واقعی و روی زمین سفت با فرمول های کتابی و ذهنیت های منجمد شده و بی عمل چه تفاوتی دارد. بیهوده نبود هفت تپه به چشم و چراغ جنبش کارگری ایران بدل شد. بیهوده نبود که در دنیا کارگران رادیکال و نشریات از هفت تپه سخن میگفتند. بیهوده نبود که برای دوره ای هفت تپه از کیس یک کارخانه و یک شهر و یک سوال در قلمرو اقتصاد و سیاست میکرو به سوال و مسئله سیاسی ماکرو و امنیتی کشور بدل شد. بیهوده نبود که هفت تپه برندی شد تا افرادی مثل رئیسی قصاب و دیگران برای اهداف "انتخاباتی" از آن سوء استفاده کنند. بیهوده نبود که هر کسی با هر نیت خوب و بدی، دل در گرو هفت تپه داشت و هفت تپه دلربای جنبش کارگری ایران و نقطه امیدی بود که راه نشان میداد.

هفته تپه البته دشمن و دوست نادان هم کم نداشت. چه آنها که مثل هفت تپه نبودند و بطور عینی نمیتوانستند باشند، چه آنها که سیاستی دیگر و چه بسا در مقابل سیاستهای هفت تپه ای ها داشتند، چه آنها که از سر دوستی خاله خرسه بیای هفت تپه تیر میزدند و چه آنها که از هفت تپه نان میخوردند.

اخبار و اظهارات کارگران هفت تپه از آغاز رویارویی جدیدی سخن میگوید. به نظر اینبار هفت تپه در چهارچوب بحث "مولد سازی" که یکی از وسیع ترین و بیسابقه ترین تهاجم های سرمایه داری ایران به کارگران است، قرار است دگرباره چوب حراج بخورد. مستحضر هستید که هفت تپه ایها و اسماعیل بخشی سوت فساد را زد و نهایتاً

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

اعتراض کارگران "اورهال" آبادان

کارگران به تأخیر در پرداخت حقوق و سختی کار آن‌هاست. کارگران می‌گویند سال‌ها مشمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور بوده‌اند اما کارفرمای جدید بدون آنکه تغییری در شرایط کارخانه ایجاد کند، با سختی کار کارگران مخالفت می‌کند. آن‌ها همچنین می‌گویند کارفرما حقوق ماه قبل را با تأخیر و به صورت علی‌الحساب پرداخت کرده است. همچنین نیمی از عیدی کارگران که معمولاً پیش از تعطیلات تابستانی به حسابشان واریز می‌شود، هنوز پرداخت نشده است. مدیریت کارخانه حتی به کارگران گفته که این ماه نیز برای پرداخت حقوق مشکل دارند. ساعات کار قانونی کارگران نیز تغییر کرده و آن‌ها در حال حاضر یک روز در میان به سر کار می‌روند.

تجمع کارگزاران مخابرات روستایی در چند استان

روز یکشنبه ۲۲ مرداد، کارگزاران مخابرات روستایی در استان‌های خوزستان، لرستان و خراسان رضوی مقابل استانداری تجمع کردند. نمایندگان کارگزاران می‌گویند: کارگزاران مخابرات روستایی طبق "ماده ۸۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت دارای قرارداد دائم شده و به استخدام شرکت مخابرات ایران درآمده‌اند ولی با این حال هنوز از تبعیضات در خصوص حقوق و مزایا رنج می‌برند." آن‌ها مطالبات خود را اینگونه بیان کردند: رفع تبعیض در نظام پرداخت حقوق بین کارکنان شهری و روستایی؛ اصلاح تاریخ شمولیت پایه سنوات و طرح طبقه‌بندی کارگزاران از زمان خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران طبق رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ نظم بخشی به مسئله پرداخت حقوق در آخر هر ماه؛ رفع مشکلات بیمه تکمیلی و در نهایت برابری در شرایط و مزایای شغلی. کارگزاران از استانداران درخواست دارند به مساله ورود کرده و در جهت رفع تبعیض اقدام کنند.

تجمع اعتراضی پرسنل مترو تهران

روز دوشنبه ۲۳ مردادماه ۱۴۰۲، جمعی از کارکنان و پرسنل مترو تهران در اعتراض به بندهای ضدکارگری لایحه برنامه هفتم توسعه و نیز عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان در محل مترو بهارستان دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است که این تجمع قرار بود در مقابل مجلس صورت گیرد که با ممانعت نیروهای امنیتی روبرو شد. اعتراض کارگران مترو خصوصاً به ماده ۲۹ فصل پنجم از لایحه برنامه هفتم توسعه است که سن بازنشستگی را در مشاغل سخت و زیان‌آور افزایش می‌دهد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۲ مردادماه ۱۴۰۲، بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، شوش، صنایع فولاد الیرز غربی، کرمانشاه، رشت و شوشتر در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

اجتماع و اعتراض بازنشستگان مخابرات استان‌ها

روز دوشنبه ۲۳ مردادماه ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان مخابرات خوزستان، اصفهان، تبریز، خراسان رضوی، رشت، فارس، ایلام، هرمزگان، اردبیل، کرمانشاه و تهران، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هفتگی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً در محل شرکت مخابرات این استانها و در شهرکرد در مقابل دفتر نماینده رهبری دست به گردهمانی زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری استان‌ها

بیش از ۴۰۰ کارگر واحد تعمیرات پالایشگاه آبادان به عدم امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، شرایط کار طاقت فرسا معترض‌اند و خواستار تبدیل وضعیت و امنیت شغلی هستند. مسئولان به آن‌ها وعده تبدیل وضعیت داده بودند اما با گذشت سه سال کار سخت و پر مخاطره هنوز بلا تکلیف‌اند. یکی از کارگران تعمیرات اساسی پالایشگاه آبادان به نمایندگی از دیگر کارگران معترض به خبرگزاری‌ها گفته است: حدود ۴۰۰ نفر از کارکنان تعمیرات اساسی پالایشگاه آبادان موسوم به "اورهال" به دلیل عدم تمکین پالایشگاه آبادان به "طرح حذف پیمانکار" که بر اساس آن باید این نفرات زیر نظر قرارداد خود پالایشگاه قرار بگیرند و تعیین وضعیت شوند، بیکار شده‌اند و کسی نیست که صدای ما را بشنود. وی افزود: درخواست‌های مکرر و دوندگی‌های مداوم جهت تغییر وضعیت این جمعیت از کارگران بیکار انجام شده بی‌فایده بوده است. همه این کارگران به دلیل حقوق‌های پایین (۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا ۴ یا ۵ میلیون تومان) قادر به تامین حداقل معیشت خانواده خود نیستند. در حال حاضر تجمع‌هایی در ورودی درب اصلی پالایشگاه آبادان و مصلاهی نماز جمعه شهر انجام می‌شود اما گویا صدای این کارگران به مسئولان رده بالای کشور هنوز نرسیده است. این کارگران سابقه ۱۶ ساله در پالایشگاه دارند ولی به دلیل عدم تداوم روزهای کاری در طول سالیان دراز نتوانستند تغییری در وضعیت خود مشاهده کنند و سابقه بیمه این افراد بسیار کمتر از مدت زمان کاری آن‌ها است. رئیس کمیته ساماندهی جذب نیروهای غیرمستمر پالایشگاه آبادان می‌گوید: بخش‌های بالادستی از جمله وزارت نفت باید نسبت به صدور مجوزات لازم برای جذب و تبدیل وضعیت این کارگران مجوز صادر کند، مجوزی برای تبدیل وضعیت این کارگران در اختیار مجموعه پالایشگاه آبادان نیست تا بتواند این خواسته کارگران را اجرایی کند. مسئولان پالایشگاه به این کارگران وعده تبدیل وضعیت داده بودند اما با گذشت سه سال کار سخت و پر مخاطره همچنان بلا تکلیف هستند.

کارگران پیمانکاری ابنیه فنی رضوان کرمان اعتصاب کردند

در روز دوشنبه ۲۳ مرداد جمعی از کارگران پیمانکاری ابنیه فنی رضوان درود در استان کرمان در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل و دستمزدهای پایین، اعتصاب کرده و در محل کار خود دست به تجمع زدند. کارگران معترض می‌گویند: در این محدوده ریلی حدود ۴۰۰ کارگر مشغول به کار هستند و پیمانکار وعده داده بود تا روز دوشنبه طرح طبقه‌بندی مشاغل را اجرا خواهد کرد اما به وعده خود عمل نکرد. تسریع در اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای افزایش حقوق و پرداخت مطالبات عرفی و مناسبتی ضروری است و کارفرما از پرداخت آن‌ها خودداری می‌کند.

تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری زاهدان

روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۲، کارگران فضای سبز شهرداری زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه تجمع اعتراضی برپا کردند.

انفجار در بخش ذوب مجتمع فولاد اسفراین با ۸ مصدوم

مدیرعامل مجتمع صنعتی اسفراین خراسان شمالی اعلام کرد: حوالی ساعت ۱۱ روز پنجشنبه ۱۹ مرداد، نشست لحظه‌ای آب سبب انفجار در بخش ذوب مجموعه فولاد شد. شش نفر از پرسنل مجموعه به دلیل موج انفجار دچار صدمه شدند و یک نفر نیز دچار سوختگی سطحی شد که تحت مداوا قرار دارد. همچنین یک نفر دیگر از پرسنل دچار سوختگی جدی از ناحیه دست، صورت و گردن شده است.

کارگران شرکت کارتن ایران در سومین روز تجمع اعتراضی

کارگران شرکت کارتن ایران روز سه‌شنبه ۲۴ مرداد برای سومین روز متوالی در داخل این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. اعتراض این

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

روز سه‌شنبه ۲۴ مردادماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری اردبیل، پلدختر، کرمانشاه، سنندج، همدان، ایلام، قزوین و مازندران مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

فریاد و اعتراض برای دریاچه ارومیه از زنان تبریز شروع شد

روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۲، تجمع اعتراضی زنان تبریز در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه مقابل ساختمان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان آذربایجان شرقی آغاز شد. آنها با سر دادن شعارهای؛ "دریاچه ارومیه تشنه است، سد ها را بشکنید و دریاچه ارومیه را پر کنید" اعتراض خود را نسبت به بی‌کفایتی مسئولان در حفظ و نگهداری دریاچه ارومیه فریاد زدند.

اقدام به خودکشی حمزه درویش در زندان لاکان رشت

بنا بر گزارش منتشرشده، زندانی سیاسی حمزه درویش پس از صدور حکم ۱۴ سال زندان برای پرونده جدید در زندان، اقدام به خودکشی کرد. وی در روز پنجشنبه نوزدهم مردادماه با خوردن ۱۴ قرص اقدام به خودکشی کرد و هم‌اکنون در بیمارستان رازی رشت بستری است. برای او پس از شورش در زندان لاکان رشت، پرونده‌سازی و هفته قبل به او ابلاغ کردند که به ۱۴ سال دیگر محکوم شده است. این درحالی است که او چهار روز قبل از شورش و آتش سوزی در زندان لاکان رشت به صورت تنبیهی به سلول انفرادی منتقل شده بود. به نقل از یک منبع آگاه: دادستان رشت کل ماجرای شورش در این زندان را به گردن او انداخته و او را متهم ردیف اول معرفی کردند و به او محکومیت جدید ۱۴ سال زندان و تبعید به رامهرمز را ابلاغ کرده‌اند. به گزارش همین منبع او مدت ۱۰ ماه است که از ملاقات با خانواده محروم است و برای هر بار ملاقات خانواده او پس از گذار از پیچ و خم‌های اداری فراوان می‌توانند یک ربع پشت شیشه با او ملاقات کنند.

برگزاری دادگاه چهار نفر از اعضای کانون صنفی معلمان رشت

روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۲ دادگاه آقایان غلامرضا اکبرزاده باغبان بازنشسته، تیمور باقری بازنشسته (۶۹ساله)، حسین مهدیزاده بازنشسته (۷۸ساله) و طهماسب سهرابی بازنشسته (۷۶ساله) با حضور وکلا آقایان رامین صفرنیا و قاسم بزرگ زاده در شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت برگزار شد. تأکید قاضی بیشتر بر محتوای بیانه‌های کانون صنفی فرهنگیان گیلان و قطعنامه‌های شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بود که مقامات امنیتی پرینت آنها را به عنوان اسناد "تبلیغ علیه نظام" ارائه کرده بودند. در این جلسه طولانی وکلا و این چهار عضو کانون صنفی معلمان گیلان ضمن تأکید بر قانونی بودن فعالیت‌های صنفی این تشکل موارد مستندی در رد اتهامات بیان داشتند.

حکم بدوی دبیرکل سازمان معلمان صادر شد

طبق رأی که شعبه ۲۶ دادگاه کدایی انقلاب تهران صادر نمود، طاهره نقی‌ئی، معلم و دبیر کل سازمان معلمان به ۶ ماه حبس تعلیقی، منع خروج از کشور بمدت ۵ سال، منع عضویت در گروه‌های سیاسی بمدت ۵ سال و منع استفاده از گوشی هوشمند بمدت ۵ سال، محکوم گردید.

وخامت وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی در زندان اوین

جعفر ابراهیمی معلم زندانی، به دلیل مشکلات گوارشی، در اثر عدم

رسیدگی پزشکی تخصصی، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرده است. جعفر ابراهیمی، مدتهاست به دلیل عود بیماری التهاب روده نیاز فوری به درمان دارد. این معلم زندانی با از دست دادن ۸ کیلو وزن در دو ماه اخیر، دست و پا و دهانش نیز درگیر این بیماری شده است. جعفر ابراهیمی بارها به بهداری زندان مراجعه و داروی تجویز شده توسط پزشک متخصص زندان، مشروط به مصرف در شرایط ایزوله می‌باشد و این امکان در زندان وجود ندارد. با توجه به این وضعیت بحرانی، پزشکی قانونی ضرورت آزادی هر چه سریع‌تر آقای ابراهیمی از زندان را اعلام نموده است اما مسئولین زندان با فرستادن پرونده ایشان به کمیسیون و نیز عدم پاسخگویی، توجهی به ضرورت درمان این فعال صنفی ندارند. وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی در زندان روز به روز وخیم‌تر و بدون داشتن هیچ سابقه‌ای پیشین، بدلیل فشارهای دوران انفرادی و نیز زندان، متأسفانه به دیابت نیز مبتلا شده‌اند.

عزیز قاسم زاده معلم زندانی مورد عمل جراحی قرار گرفت

روز یکشنبه ۲۲ مردادماه عزیز قاسم زاده معلم و خواننده زندانی به علت عارضه سنگ صفرا مورد عمل جراحی قرار گرفت. او به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان محکوم شده و از ۱۹ فروردین در زندان لاکان رشت در حال گذران دوران محکومیت یک ساله خود می‌باشد. پیش از این او در زندان دچار درد شدید در ناحیه گردن و دست راست بود و در ۲۹ تیر هم حوالی ۵:۳۰ به علت درد معده و شکم بسیار حوالی ۸ صبح به بهداری زندان منتقل شد. در دوران مرخصی هم او دچار این عارضه شد که پس از آزمایشات گوناگون مشخص شد عزیز قاسم زاده به سنگ‌های متعدد در کیسه صفرا مبتلاست. او هم‌اکنون در مرخصی به سر می‌برد.

برگزاری دادگاه پیمان فرهنگیان

روز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ دادگاه رسیدگی به پرونده پیمان فرهنگیان، شاعر و فعال کارگری اهل بندر کیشهر در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان آستانه اشرفیه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» برگزار خواهد شد. پیمان فرهنگیان در روزهای گذشته از احتمال به جریان در آمدن ۷ سال حکم تعلیقی خود در حساب شخصی خود در اینستاگرام ابراز نگرانی کرده بود. وی در جریان عفو رهبری در انتهای سال گذشته این پیشنهاد نهاد‌های امنیتی مبنی بر امضای خواست عفو را رد کرده بود و عامل فشارهای کنونی را در نامه‌ای به مادرش نشر داده بود.

محدودیت دسترسی به تماس تلفنی در بند زنان اوین

به‌دنبال عقد قرارداد جدید سازمان زندان‌ها با شرکت "آسیاتک"، زنان محبوس در بند زنان زندان اوین گفته‌اند که ارتباط تلفنی‌شان با خانواده محدود شده و مجبور به پرداخت هزینه چهاربرابری برای هر تماس تلفنی شده‌اند. طبق گزارش منتشرشده، زنان زندانی در روزهای پنجشنبه و جمعه از امکان استفاده از تلفن‌های زندان برای برقراری تماس با نزدیکان خود محرومند. در بقیه روزهای هفته هم تنها سه کابین تلفن در دسترس آن‌ها قرار دارد. زنان زندانی به "کمبود کابین تلفن و کیفیت پایین تماس‌ها، زمان اندک برای برقراری تماس تلفنی و همچنین چهاربرابری شدن هزینه تماس زندانیان پس از عقد قرارداد جدید با شرکت آسیاتک" اعتراض کرده‌اند. یا این‌حال هنوز هیچ واکنشی به این اعتراض‌ها صورت نگرفته است. برخی از فعالان زندانی در اوین در سال‌های گذشته گفته بودند مسئولان زندان از محدود کردن تماس‌های تلفنی برای امنیتی‌تر کردن فضا در بند زنان استفاده می‌کنند.

محرومیت ۲۰۰ دانشجویان از خوابگاه

دست‌کم ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان از خوابگاه محروم شده‌اند. این محرومیت بدون هیچ اخطار قبلی‌ای صورت گرفته و دانشجویان تنها پس از مراجعه به سامانه برای رزرو خوابگاه متوجه آن شده‌اند. مسئولین امور خوابگاه عنوان کردند که این محرومیت‌ها بدلیل گزارش حراست مبنی بر عدم رعایت قوانین پوشش و استعمال سیگار رخ داده است. همچنین اکثر دانشجویان محروم شده دختر هستند

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله

و از آنان خواسته شده تا برای رفع این محرومیت، تعهد نامه‌ای را امضا کنند. گزارش حراست بدون ارائه هیچ شواهدی و تنها با ابلاغ غرضورزانه اسامی دانشجویان صورت گرفته است.

زریان و زیلان ملایی دو خواهر دانشجو بازداشت شدند روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۲، زریان و زیلان ملایی دو خواهر دانشجو دانشکده فنی دخترانه سنندج، با یورش نیروهای امنیتی به منزلشان بدون ارائه هیچ‌گونه برگه قضایی و با ایجاد رعب و وحشت بازداشت شدند. از عناوین اتهامی، نهاد بازداشت‌کننده و وضعیت این دو دانشجو اطلاعی در دست نیست.

نازیلا معروفیان مجدداً بازداشت شد

روز دوشنبه ۲۳ مرداد نازیلا معروفیان روزنامه‌نگار، یک روز پس از آزادی مجدداً بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل شد. نازیلا معروفیان روز یکشنبه ۲۲ مرداد با تودیع وثیقه از زندان اوین به صورت موقت آزاد شده بود اما حکومت نتوانست بیش از یک روز آزادی وی را تحمل کند و مجدداً برای بار چندم در طول یکسال گذشته بازداشتش کردند.

بازداشت‌های دست جمعی فعالین زنان در گیلان

روز ۲۴ مردادماه در شهرهای #رشت، #فومن و #انزلی ۱۱ تن از فعالین زنان با حملات نیروهای اطلاعاتی ربوده شده و به بازداشتگاه‌ها منتقل شدند. اسامی بازداشت‌شدگان از این قرار است:

#فروغ سمیع نیا #جلوه جواهری #یاسمین حشدری #زهره دادرس #زهره دادرس #متین یزدانی #شیوا شاه سیاه #نگین رضایی #واحدہ خوش سیرت #سارا جهانی و #هومن طاهری.
روز پنجشنبه ۲۶ مردادماه مهسا بصیرتوانا نیز در فومن بازداشت شد. وی خواهر مهران بصیرتوانا، از جانب‌اختگان خیزش انقلابی است. مهران بصیرتوانا روز ۲۵ آبان در جریان اعتراضات شهر صومعه‌سرا از ناحیه پشت سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در روز ۲۸ آبان در بیمارستان جان باخت.

اسلام و اسلام زدایی
منصور حکمت
ژانویه ۱۹۹۹



فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی‌حقوق و بی‌حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکب‌ینش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

مبارزه با مذهب



دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است .

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه

مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست .

این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است .

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!